

# فقط با لغو قرارداد های اسارت آور امپریالیستی میتوان استقلال ایران را تامین کرد

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران رفیق علی امیر خیزی درگذشت



رفیق امیر خیزی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و یکی از پیشکوتان جنبش کارگری در ایران بود

در صفحه ۸

در باره مجلس خبرگان و مصوبات آن (۲)

در شماره گذشته «مردم»، بحث پیرامون کارهای مجلس خبرگان و بررسی مواد مختلفی را که این مجلس تاکنون تصویب کرده، آغاز نمودیم. پس از نگاه عمومی بجزایر کار مجلس و چگونگی فعالیت و طرز کار آن، سه ماده اول مصوبه را مورد بررسی قرار دادیم. اینک دنباله مطالب:

بقیه در صفحه ۲

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

اسناد حزبی (اعلامه ها، بیانیه ها و...) منتشره در «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را با استفاده از تمام امکانات، بوسیله آخرین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مهم انقلابی است.

ملاك انقلابی بودن و ضد انقلابی بودن چیست دومین قسمت نطق کاسترو و در کنفرانس غیر متعهد ها

صفحه ۶ - سوره ۱۶



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۷ پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریال

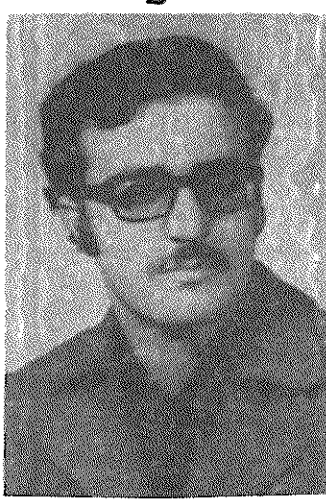
## اعتراض کاردار سفارت آمریکا به اعدام سه سناتور سابق، بار دیگر ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا را نشان میدهد

مخلوع دل میسوزاند. امپریالیستهای خونخوار آمریکا، که انگار دم خروس حقوق بشر کذائی خود را نمی بینند، بملت «کھولت»، برای مهره های سیاه شاه مخلوع دل میسوزاند و این درست در هنگامی است که صد هازن و کودک و پسر فلسطینی در جنوب لبنان بدست شریکان اسرائیلی آنها قتل عام میشوند. امپریالیستهای آمریکائی که گمان میکنند مردم قهرمان ما، خاطره قتل عام دست جمعی - از جمله زنان و پیر مردان را - در تل زعتر، می لای و صدها جنایت نظیر آن در چهار گوشه دنیا از یاد برده اند، مکارانه لباس «بشر دوستی» به تن کاردار سفارت خود در تهران کرده اند، تا لاند «احساسات بشر دوستانه» خود را به

آنچه کاردار سفارت آمریکا بعنوان اعتراض به اعدام سه سناتور رژیم شاه مخلوع عنوان کرده است، در تحلیل آخر اظهارات یک فرد ساده نیست. این سخنان در واقع بازتاب سیاست جهان نوارانه امپریالیسم آمریکا است، سیاستی که مدتهاست لباس باصلاح حقوق بشر، به تن کرده است. تا در زیر این جامه عوام فریب، ماهیت اصلی خویش را، که بخون کشیدن و غارت خلیج های جهان است، پنهان کند. امپریالیستهای آمریکائی، که تا آخرین لحظه بقای نظام شاهنشاهی، در جنایت این رژیم نقش اصلی را داشتند و در طول سلطه خود بر ایران، علاوه بر غارت منابع کشور، هزاران نفر را به زندانهای قرون وسطائی انداختند، شکنجه کردند، و یا به جوخه های اعدام سپردند، اکنون برای سه جنایتکار رژیم شاه

اعتراض کاردار سفارت آمریکا به اعدام ۳ سناتور رژیم شاه مخلوع، یکبار دیگر بوضوح نشان داد که امپریالیسم خونخوار آمریکا، همچنان مدافع رژیم خونخوار آریامهری و مهره های سیاه آن است. چنانکه مطبوعات نوشتند، بروس آل لنگ، کاردار سفارت آمریکا در ایران، در ملاقاتی با وزیر کشور، به اعدامهایی که از طریق دادگاههای انقلاب، پس از صدور فرمان عفو امام صورت گرفته، بخصوص اعدام سه سناتور اخیر، به دلیل «کھولت» نشان، ایراد گرفته است! خوشبختانه وزیر کشور و سخنگوی دولت به سرعت درباره این دخالت آشکار امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران واکنش کردند و با فاش کردن این دخالت در مطبوعات، یک بار دیگر به همه مردم ما نشان دادند که امپریالیسم آمریکا قصد ندارد از حالت در امور ایران خودداری کند.

بمناسبت سالگرد شهادت تاج حیدری بیگوند جانبازی و فداکاری در راه آرمانهای خلقی، همراه با تکامل اندیشه ای توانا



با فرارسیدن ۱۲ مهر ۱۳۵۸، ۳ سال از شهادت رفیق تاج حیدری بیگوند بدست رژیم پادشاهی ساواک میگذرد. سه سال پیش در چنین روزی، در دوران رشد فطرتی و شور انقلابی توده ها، که دو سال و نیم بعد در خروش طوفانی خود رژیم ساواک پهلوی راس تگون ساختند، جلادان وحشت زده ساواک، که از رشد جنبش مردم سر اسیمه شده بودند، به جنایت دیگری دست زدند و اینبار خون چو شان یک مبارز جوان ۷۸

## نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به: شورای انقلاب - دولت موقت جمهوری اسلامی ایران - دادستان کل دادگاههای انقلاب در باره شهادت رفقا آذر نوش مهدویان و حسین شیانی

فعالیت های حزب دمکرات کردستان نیز یکی واهی و بی اساس است. مبنای این اتهام «اشتباهی» ظاهر آرد وجود کلمه «دمکرات»، همدرد نام سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران» و هم در نام «حزب دمکرات کردستان» بوده است. دادستان انقلاب در کرمانشاه، وجود این یک کلمه مشترک در دو نام بکلی مختلف را، که سازمانهای بکلی جداگانه و مختلفی اطلاق میشوند، دلیل بر تعلق سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات» به «حزب دمکرات کردستان» دانسته و چون آذر نوش مهدویان مغازه مورد اجاره خود را در اختیار شمع کرمانشاهان «سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات» قرار داده بود، او را منتصب به حزب دمکرات کردستان محسوب و حکم اعدام وی را صادر کرده است. برای حسین شیانی،

در جنبش انقلابی مردم ایران علیه رژیم پهلوی فعالانه شرکت کردند، در فرآیند تاریخی، طبق فراخوان حزب خود، به استقرار جمهوری اسلامی رای مثبت دادند، در انتخابات مجلس خبرگان، بسود کاندیداهای ضد استعمار و ضد استبداد شرکت کردند، پس از پیروزی انقلاب، روزها و شبها در مساجد و مدارس و خیابانها و میادین برای حفظ دستاوردهای انقلاب ایران پاسداری نمودند، مردم را به اتحاد و همبستگی، زیر رهبری قاطعانه امام خمینی، فراخواندند و برای روشن کردن افکار درباره بفرنجترین مسائل انقلاب ایران بیدریغ ب مردم یاری رساندند. آنها توده ایهای از جان گذشته، مبارزان بیدار و متعهدی بودند و طبق سیاست و رهنمود حزب خود - حزب توده ایران - جز این هم نمیتوانستند عمل کنند. نسبت دادن دو رفیق شهید ما به «شرکت در

بطوریکه روزنامه ها و رسانه های گروهی نیز بموقع خود اطلاع دادند، با امداد ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، دوتن از اعضای حزب توده ایران آذر نوش مهدویان و حسین شیانی، که بدون ارائه حکم، بدستور دادستان انقلاب در کرمانشاه دستگیر شده بودند، به حکم دادگاه انقلاب کرمانشاه اعدام گردیدند. اتهامی که علیه آنها عنوان شد این بود که گویا آنها «ضد انقلابی»، «اخلاق لگن»، «محرک»، «شریک در فعالیت های حزب دمکرات کردستان» و از شرکت کنندگان در «حوادث» پیاره» بوده اند. مابین اتهامات و نسبتها را قویا رد و تکذیب میکنیم و اعدام آنها را یک قتل فجیع می شمیریم. رفقای اعدام گشته ما ضد انقلابی نبودند. آنها انقلابیون فداکاری بودند که همانند هزاران توده ای دیگر،

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود

# درباره مجلس خبرگان ومصوبات آن (۲)

ماده ۴، پس از مدتها بحث، تصویب نشده باقی ماند، تا آنکه ماده تازه مطرح شد، که بکلی منظور بحثها را برای مدتی متوجه خود کرد. این ماده مربوط به «ولایت فقیه» است. این ماده باین شکل در پیش نویس وجود نداشت و نه فقها و نه خبرگان و نه مردم در باره محتوی آن و مرزهای آن و معنای آن و حدود عمل آن نه توافق نظر و تعبیر یگانگانه ای داشتند و نه حتی اطلاعی. این ماده بدون آنکه گریزی از مسئله ای بکشد و بوضوح و تصریح مسئله ای را بیان کند، از هم اکنون باب بحثها و تفسیرهای بسیاری را گشوده است. از قرآرازه همان هفته اول تشکیل مجلس خبرگان، که بمدت یک هفته جلسات خصوصی داشت، این مطلب به بحث خبرگان گذاشته شده بود. دامنه اظهار نظرهای موافق و مخالف از همان وقت بیرون کشیده شد.

**محتوی اصلی** یا باصطلاح «بار اسلامی»، این ماده در پیش نویس قبلی، بصورت کاملا متفاوت و تحت عنوان «شورای نگهبان» و مواد مختلف دیگری، که به فقها امکان اظهار نظر قطعی را میدهد، گنجانده شده بود. اکنون با شکل جدیدی که مسئله ولایت فقیه مطرح شده، مسئله اساسی جا و نقش آراء مردم و اینکه قوای کشور ناشی از کیست و آیا قدرت حاکمیت یا مردم است یا نه باشد و وحدت خود نمائی میکند.

مسائل مطرحه در این فاصله عبارتند از: ناروشنی مرزهای این ولایت و اینکه بر کدام «امر» و امور و تا کیها فقیه یا گروه فقها ولایت و حکومت دارند و تا چه اندازه این ولایت با «مجموعیت برصا» - آنچنانکه صراحتا مطرح شده است - شباهت دارد و اینکه آیا این اصل، که مربوط به فقط فقه شعی است، تا چه حد و با استناد کدام مجسوزی میتواند بر سایر هموطنان غیر شعی ما، اعم از مسلمان سنی مذهب یا صاحبان سایر ادیان حاکم گردد و چگونه میتوان فقیه جامع الشرایط را یافت.

در اینجا فی الواقع مسئله حکومت مردم بر مردم، حق مردم و حاکمیت مردم است که مطرح میگردد. و فراموش نباید کرد که نظام کنونی خود بر پایه فرزاندم، یعنی اظهار نظر عمومی مردم، مشروعیت یافت. این واقعیت خود مضمون ماده اول است که تاریخ و در صدرای راه در صدر قانون اساسی ذکر کرده است.

اضافه کنیم که آن کسانی هم که با ولایت فقیه

ابتدا مخالفتی ندارند، ذکر چنین ماده ای را چنانچه نمیشوند و اسلام را مستثنی از آن میدانند که با ماده قانون اساسی تحکیم شود در پیش نویس قبلی و نقشی را، که در مواد مختلف آن برای فقها پیش بینی شده بود، کافی برای منظور و حافظ روح این اصل میدانند.

اصل ششم میگوید که «امور کشور باید با اتکاء بر آراء عمومی اداره شود» و از راه انتخابات، که انواع آنرا بر میسرند، در پیش نویس قانون اساسی چنین ماده ای نبود. ماده سوم مربوط به شوراه بود که اولین جمله آن چنین است: «آراء عمومی مبنای حکومت» پس رفت آشکاری که در متن تصویب شده انجام گرفته. روشن است، زیرا پس اینک مبنای حکومت آراء عموم باشد، با اینکه با اتکاء بر آراء عموم اداره شود، تفاوت زیادی است. حکومت مردم، یعنی آراء آنها مبنای آنها باشد، در حالیکه در حکومت خودکامه یا انحصاری هم احتمالا میتوان لاقبل برای مدتی، به اتکاء آراء مردم، امور را اداره کرد. متن پیش نویس، روح دموکراتیک و خلقی انقلاب ما را منعکس نمیکرد، اما متن تصویب شده از این روح پر خروش تھی است. در حالیکه مردم مابوطغ کامل خود را برای آنکه رأیشان مبنای حکومت باشد، ثابت کرده اند. فزون بر این مهم بود که فرمول سابق، درست در ماده مربوط به شورا گنجانده شده بود، که اصل سوم بود و درست بعد از تعریف نظام جمهوری اسلامی. ارتباط بین حاکمیت آراء مردم و شوراها، در پیش نویس روشن، مسجل و غیر قابل تفسیر بود. در متن کنونی، ماده هفتم به اصل «شوراها» اختصاص دارد. این ماده بکلی با اصل پیشنهادی در پیش نویس اولیه، که در خرداد ماه به مردم عرضه شده بود، متفاوت است. در متن پیش نویس، پس از آنکه آراء عمومی مبنای حکومت شناخته شده بود، باید که «و» اضافه شده بود که «و امور کشور باید از طریق شوراهای منتخب مردم حل و فصل گردد»، همان «و» رابطه هضوی و درونی بین اصل حاکمیت مردم و شوراهای نشان میدهد. شوراها را وسیله بیان رأی مردم میدانست و تصریح میکرد که باید منتخب مردم باشند. اما در اصل کنونی شوراها، که اصل هفتم است، گفته شده «شوراها از ارکان تصمیم گیری و اداره کشور هستند» و پس از گذاشتن دو نقطه، از مجلس شورای ملی و

شوراهای استان و شهرستان و شهر و غیره نام برده شده است. در متن کنونی خبرگان، که شوراها دیگر شالوده و وسیله بیان آراء عمومی، که خود مبنای حکومت است، نیستند، بلکه «از» ارکان تصمیم گیری و اداره هستند و وقتی «از» ارکان بودند، یعنی در کنار آنها رکنهای دیگر تصمیم گیری و اداره وجود دارند، یعنی دیگر تنها مردم حاکم نیستند، یعنی دیگر آراء عمومی مبنای حکومت نیست، بلکه چیزهای دیگر برای دیگری نیز «از» مبنای حکومت و تصمیم گیری و اداره است. تفاوت در جهت راست، در سرفه، در فاصله گرفتن از خواستهای مردم و نتایج انقلاب آشکار است.

در پیش نویس، اصل چهارم بود که اینک بکلی حذف شده است. در آن اصل از «استقرار جامعه توحیدی» سخن میرفته و همسین امر، بخصوص که در آن از «مبنای روابط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی» هم یاد میشود، ظاهراً کافی بوده که اکثریت خبرگان اصولاً آنرا نادیده بگیرند، مبادا از آن بوی جامعه بی طبقه آید! اما «انجمن دانشجویان مسلمان علم و صنعت» در بیانهای گفته است: «مگر نه اینست که توحید یعنی برابری انسانها و اینکه هیچ کسی را بر دیگری امتیازی نباشد؛ مگر توحید مهمترین اصل از اصول دین مانیست؟ آیا در عموق و ریشه توحید مفهوم والای نفی استثمار انسان از انسان، که منشأ ایجاد طبقات در جامعه است، وجود ندارد؟ در پاسخ میتوان باز هم سؤال کرد: آیا به همین دلایل نیست که وازه توحیدی از اصل دوم برداشته میشود و اصل چهارم پیش نویس بکلی حذف میشود؟

بجای اصل حذف شده، يك اصل جدید، زیر شماره هشتم، در متن جدید اضافه شده است که مربوط است به «امر به معروف و نهی از منکر». این مسئله «وظیفه ای همگانی و متقابل برای مردم دولت» شمرده شده که در شکل فعلی هنوز محتوی آن روشن و صریح نیست و قید شده که شرایط وجود و کیفیت آنرا قانون معین میکند». باز هم درباره این اصل مشهور دینی، عقیده بسیاری، منجمله در خود مجلس خبرگان، این بود که قانون اساسی جای ذکی اصول و فروع دین نیست. در مجلس بهنگام بحث یکی از خبرگان گفت که «نیازی به ضبط و ثبت آن در قانون اساسی نیست».

اصل نهم مربوط است به رابطه تفکیک ناپذیر بین استقلال و آزادی. در پیش نویس، این اصل زیر شماره شش بود و خوشبختانه ماهیتش - در نظر رابطه بین این دو مقوله - خدشه دار نشده است. در این اصل ناپذیرفته میشود که در جمهوری اسلامی ما، آزادی و استقلال و تمامیت ارضی و وحدت کشور از هم جدائی ناپذیرند و به هیچ شخص و مقامی اجازه داده نمیشود که بیپناهانه حفظ یکی، دیگری را بیامال کند و مخدوش سازد، در ماهیت امر میتوان گفت که در این ماده دو خواست اصلی مردم انقلابی ما درباره آزادی و استقلال، که با آنهمه نیرو در جریان جنبش انقلابی خلق طنین افکن شد، بازتاب یافته و بویژه بهم پیوستگی درونی و جدائی ناپذیر آنها اعلام شده و راه را بر هر گونه تشبیه بیخاطر مخدوش کردن آزادی یا استقلال بسته است.

ماماد را اینجا يك نکته بسیار مهم هست که باید بآن توجه کرد. مجلس خبرگان متن اصلی پیش نویس را، که مفهوم «آزادی» را تا اندازه ای تصریح میکرد، تغییر داد و واژه های «آزادی عقیده و بیان و قلم و آزادیهای مشروع دیگر» را حذف کرد و بجای آن عبارت «آزادیهای مشروع» را قرارداد. روشن است که در اینجا ما تنها با خلاصه کردن يك متن رو بر رو نیستیم، بلکه با این تغییر حدود آزادی بکلی مخدوش شده است. زیرا صفت «مشروع» برای آزادی، راه را برای هر گونه تفسیری و تعبیری باز میکند و این دیگر وابسته به حاکم شرع است که تا کیها آزادی را مشروع و از کیها نامشروع بداند. «آزادی مشروع»، بدون تصریح اینکه عقیده و اجتماع و بیان و تحزب و قلم آزادند، هیچ چیز را که نمرساند سهل است، دست هر قلدر بالقوه ایرا، که مخالف آزادی باشد، باز میکند.

اگر این تحریف در متن ماده پیشنهادی انجام نشده بود، میشد گفت که اصل نهم مصوبه، یکی از معتبرترین و خلقی ترین اصول وفادار با انقلاب ماست، اصل مطلب در این ماده، رابطه بین آزادی و استقلال و در نتیجه رابطه بین نبرد و اهداف ضد امپریالیستی و نبرد و اهداف دموکراتیک مردم ایران است. ماده نهم این مطلب اساسی را در بر میگیرد.

## توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار هم، جز تکمه به اینکه فرستندگان اخبار و گزارشها مسؤلیت خطمخ خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای مسؤل و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نا دقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری بسیار آورد و نیز به نفع و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت و آمیذول دارند. با سیاسی «مردم»

## فقط بالغو قرارداد های اسارت آور امپریالیستی میتوان استقلال ایران را ...

«بدنبال نشستهای متعددی که مسئولان دولتی و ارتشی در هفته های اخیر داشته اند، رؤس کلی سیاست تدافعی ایران مشخص شده و گفته میشود که دولت بانه و خرید ابزار یدکی برای سلاحهای موجود (ونه بیشتر) موافقت کلی خود را اعلام داشته است. بر اساس همین اطلاعات، نظریه اینکه کشورهای غربی، بویژه امریکا و انگلستان، تامین کنندگان اصلی سلاحهای مورد نیاز ایران بشمار میروند، گفتگوهای نیز برای تامین وسائل یدکی هواپیماهای نظامی، هلیکوپترها و وسائل متخاراتی و تجهیزات دیگر با مقامهای خارجی بعمل آمده و با احتمال فراوان وزیر امور خارجه نیز در طی اقامت دوهفته ای خود در واشنگتن، گفتگوهای مهمی را با منابع تامین کننده سلاحهای مورد نیاز ایران انجام خواهد داد».

بفری صحت خبر «بامداد»، وزیر خارجه مذاکرات مهمی «با منابع تامین کننده سلاح» (انحصارات اسلحه سازی و پنتاگون) انجام خواهد داد و این مذاکرات مهم، قبل از اتمام پیمانهای نظامی است و بنابراین اولاً نمیتواند بدون ارتباط باین پیمانها و سرنوشت آنها باشد، ثانیاً اصولاً گفتگو یا اقدام در چارچوب خرید ابزار یدکی برای سلاحهای موجود «ونه بیشتر» نمیتواند باقی بماند، چونکه امروزه هر سلاحی، هر قدر هم که مدرن باشد، در اثر شتاب انقلاب علمی و فنی، که با شدتی روز افزون در جهان جریان دارد، از لحاظ کاربرد نظامی، عمری حداکثر بیش از ده سال ندارد. بنابر این خود «سلاحهای موجود» باید تجدید گردند و روند کار چنین خواهد شد که خرید قطعات یدکی، خرید اسلحه نوو خرید اسلحه نو، خرید قطعات یدکی را بدنبال خواهد داشت، ثالثاً فروشی قطعات یدکی یا اسلحه از جانب غرب امپریالیستی، تنها بازرگانی نیست، حتی تنها کسب سود سرشار انحصاری نیز نیست. این فروش علاوه بر بازرگاری، وسیله نفوذ و استیلای سیاسی - نظامی است، وسیله اعمال سیاست استعمار نوین است. خرید اسلحه و یاقطعات یدکی آن از غرب امپریالیستی نمیتواند «تجارت بدون هیچ قید و شرط و شروطی» باشد. بناگفته تیمسار حسین شاکر - رئیس ستاد مشترک ارتش - با قطعات یدکی باید «تکنسین» امریکائی وارد کنیم و بنابه گفته دکتر یزدی وزیر خارجه، برای نگهداری همین ۸۰ فروند اف-۱۶ موجود، که آقای چمران وزیر دفاع سرنوشت آنها را بازمه موکول به «مطالعه» کرده «حداقل به ۴۰۰ مستشار نظامی امریکائی نیاز داریم و این امر بشدت مارا به امریکا وابسته میکند».

خلاصه مسئله پیمان نظامی دوجانبه و چندین صد پیمان نظامی

قطعه یا قطعات این اسلحه ها بخواهد يك «شرط سیاسی» بر ایران تحمیل کند، ایران ترجیح میدهد که از همه سلاحهای خود صرف نظر کند و اشیاء دیگری از جای دیگری تهیه کند».

در مورد سرنوشت جنگنده های تهاجمی اف-۱۰۵، آقای وزیر دفاع، برخلاف موضوع لغو پیمانهای نظامی و نحوه خرید قطعات برای اسلحه، پاسخ صریحی نداد، بلکه گفته است: «پس از مطالعه و بررسی مسائل، نتیجه آنرا اعلام خواهیم داشت».

اینجا (علاوه بر مطالبی که آقای وزیر دفاع در مورد پاکسازی و نوسازی ارتش بیان داشته و بدلیل اهمیت آن باید موضوع بحث جداگانه ای قرار گیرد)، اظهاراتی است رسمی، که از جانب مقام وزارت دفاع اعلام شده است.

اظهارات مزبور باینکه تا حدود زیادی صریح است، ولی با توجه به برخی ابهامات که در خود این اظهارات وجود دارد و با توجه به اظهارات رسمی دیگری که از جانب دیگر مقامات مسؤل بیان گردیده، و نیز با توجه به اخباری که در جراید انتشار یافته، پرسشهایی ذابریانگیزد.

در مورد الفاء «تمام پیمانهای نظامی ایران با غرب» می توان یاد آور شد که، آقای دکتر یزدی وزیر خارجه تفاوتی بین «قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا» با صدها قرارداد دیگری که ناشی از آن معتقد گردیده اند، قائل شده است.

این صدها قرارداد، بنابه توضیحات وزیر خارجه، چون جنبه مالی دارند، تصمیم نسبت به سرنوشت آنها بر عهده مقامات ارتشی و در آخرین مرحله وزارت دفاع است. ولی تصمیم نسبت به سرنوشت قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا، که قراردادی است سیاسی - نظامی و جنبه مالی ندارد، بر عهده وزارت خارجه و در آخرین مرحله دولت است. بنابراین، این سؤال مطرح است که: آیا مقامات ارتشی و وزارت جنگ نسبت به لغو آن صدها قرارداد و وزارت خارجه و دولت نسبت به لغو قرارداد «مادر»، یعنی قرارداد دوجانبه، تصمیم نهائی اتخاذ کرده اند و اگر اتخاذ نکرده اند، میتی بر کدام تصمیم است اعلام نمیدارند و اگر اتخاذ نکرده اند، «تمام پیمانهای نظامی ایران با غرب ملغی میشود».

موضوع خرید اسلحه و قطعات یدکی نیز دچار ابهام و در نتیجه مایه نگرانی است. روز قبل از اظهارات وزیر جدید دفاع، روزنامه بامداد (هفتم مهرماه) به نقل از «خبرنگار خصوصی» خبری بشرح زیرین انتشار داد:

دیگر ناشی از آن، مسئله اسلحه ارتش، قطعات یدکی، و اصولاً تسلیح ارتشی که باید، بگفته آقای چمران، «باصطوایط انقلاب سازگار باشد»، مسائلی هستند اساسی و سرنوشت ساز. سخن بر سر گریز از وابستگی به امپریالیسم، رهائی از یوغ آن و یا قبول مجدد آنست. ۸ ماه از انقلاب ایران میگذرد و هنوز این مسائل حیاتی زیر «مطالعه و بررسی» هستند و اظهار نظرهای مهم و گاه متناقضی نسبت به آنها میشود، ولی در عمل، ماهنوز در این باطلاق فرو مانده ایم.

سخنان آقای وزیر جدید دفاع، باینکه تا حدودی امیدبخش است ولی هنوز در مرحله حرف است، در حالیکه مردم در انتظار عمل اند. بنظر میرسد که ۸ ماه برای امروزه فردا گفتن سرنوشت استقلال ایران بس باشد.



# آنچه امریکا باید بداند

خوانندگان گرامی:

خوانندگان مطالب مهم و جالب همه روزنامه‌ها - هر قدر هم که لازم باشد - برای همه کس مقدور نیست. نه وقت هست و نه امکان. ولی در بسیاری از جراید، خبرها و مطالب مهم و جالبی نوشته میشود و شخصیت‌ها و دست اندرکاران در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و غیره اظهار نظر هائی میکنند و اگر آنهاى مسئول تصمیماتی را منتشر میسازند که آگاهی بر آنها لازمست. خواننده «مردم» میل دارد و حق دارد که دست کم با حداقلی از این اظهار نظرها و موضعگیریها و اخبار، که در سایر جراید انتشار مییابد، آشنا شود. اینست که - بدون ادعای دربرگیری همه مطالب - تنها در همان مرز «حدائق» و تنها برای بازتاب مسائلی که در جهت عمومی پیشبرد انقلاب است، یا آشنائی با آنها روشن بینی بیشتری برای مبارزه در راه پیشبرد انقلاب میدهد، شمارا بخواند. نستون جدید «دره مطبوعات کشور» دعوت میکند. ناگفته روشن است که چنین شرطی وجود ندارد که این نوشته‌های نقل شده دقیقاً و کاملاً با عقیده ما تطبیق کند.

خود شما هم با بردن قطعات روزنامه‌ها و فرستادن مطالبی که بنظرتان مهم می‌آید (منتهی هر چه سریعتر و با ذکر دقیق نام نشریه و تاریخ انتشار) میتوانید به ما در تنظیم این ستون یاری رسانید.

روزنامه جمهوری اسلامی (۹ مهر) در سرمقاله خود تحت عنوان «آنچه امریکا باید بداند» چنین نوشته است:

کاردار سفارت امریکا در ایران، قبل از این پستی که اکنون در ایران دارد، یکی از مهره‌های وحشتناک دستگاه جبهی «سیاه» و وزارت امور خارجه امریکا بوده است و در وزارت خارجه با پست کفالت معاونت وزیر خدمت (!) می‌کرده است. نامبرده روز گذشته با وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران ملاقات میکند که چه بگوید؟ بگوید: امریکا از سیاست تجاوز - کارانه اش بر علیه خلقهای مستضعف جهان دست برداشته است؟ نه! بگوید: امریکا دیگر از تجاوزات پیگیرش بحق مردم آواره فلسطین دست برشته است؟ نه! بگوید: امریکا از آدم سوزی هایش در هیروشیما ناگازاکی - که در آن دهها هزار انسان بی‌گناه یکجا سوخته شدند - پشیمان است؟ نه! بگوید: امریکا از اسارت درندگان سیاه پوستان در چهارچوب امپریالیستی قوانین ضد انسانی در ایالات متحده شرم دارد؟ نه. بگوید امریکا از ریختن خون میلیونها انسان در سراسر جهان پشیمان شده است؟ نه. که بگوید امریکا از غارت ملت‌های ضعیف و تحت ستم توبه کرده است؟ نه! نه هرگز! آمده است تا به اعدام انقلابی سه جاسوس حرفه‌ای که مدت‌ها در خدمت سازمان «سیاه» و در جهت نابودی فرهنگ و هویت و منابع طبیعی مردم محروم و مستضعف ایران و گسترش قداره بندی دیوانه‌ای بنام محمدرضا

## ایران ژاندارم خلیج فارس نخواهد بود

در یادار مدنی، فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران و استنادار خوزستان، بدنیال مانور نیروی دریایی در خلیج فارس نخواهیم بود، اما ژاندارم ملت ایران برای حفاظت آنچه که مععلق به ایران است، خواهیم بود.

در یادار مدنی با اشاره به مسائل موجود در صنعت نفت، گفت: «البته گروهی می‌خواهند صنعت نفت از کار بماند، اما این هدف هرچکه به دست آنها نخواهد آمد.»

(کجهان ۷ مهر)

روشنفکران ماینتور میندارند که رژیم سابق از بین رفته است و رهبری با ما است. دستگاه اجرائی در اختیار ما است. آزادی و تحریک و توطئه دادن بمعنای تضعیف رهبری است. حال آنکه:

- دستگاه اداری کشور با همان ساخت پیشین برجاست.
- دستگاه ارتش با همان ساخت پیشین برجاست.
- روابط سیاسی در کشور با همان ساخت پیشین برجایند.
- تحریک‌های سیاسی در همه کشور با همان مقدمات و برای رسیدن بهمان نتایج برجایند. و در همه اینها مبنای تحول بنیادی نیست، بلکه بتدریج تقویت نیز شده و میشوند. دستگاهی که پیش از این مشروعیت مذهبی نداشت، اگر این مشروعیت را نیز بدست آورد، «استبداد محبوب توده‌ها» را تحمیل کند.

روزنامه انقلاب اسلامی در جای دیگر همین سرمقاله می‌نویسد:

... فراموش نکنیم که اگر بخواهیم بکلی مانع اظهار و بیان بشویم، محتاج بوجود آوردن دستگاهی فشار و اختناق میگردیم که برای نابودیشان انقلاب کردیم و هزاران شهید دادیم. و تازه با آن دستگاهها هم همانطور که رژیم سابق نتوانست، نمیتوانیم سانسور کامل برقرار کنیم.

- در عوض ساخت سیاسی کشور و مقام‌هایی که در این ساخت از حق تصمیم درباره سر نوشت کشور برخوردارند، از محدود کردن دایره آزادیها کما لاستفاده را میکنند. نه تنها انتقاد دیگران از خودشان را جرم و ضد انقلاب جلوه میدهند، بلکه مانع از آن میشوند که

ایران برمی‌آید. امریکا باید بداند عصر مردم - فریبی و ریاکاری و شیطان صفتی سپری شده است. امریکا باید بداند که بوسیله بوقهای بین المللی و مطبوعات صبیونیستی نمی‌تواند خیزش جهانی محرومین و مستضعفین زمین را به عقب بیندازد. امریکا باید بداند که زمان مرگ تسلط فاشیستی آن بعنوان عصاره تاریخ جنایت و توحش در سراسر عالم فرارسیده است و همه آزادگان و فرزندان جهان خود را برای سرنگونی این تسلط ضد انسانی متحد می‌بینند.

روزنامه جمهوری اسلامی ادامه میدهد: امریکا باید بداند که ملت ما تا آخرین قطره خون خود در مقابل عوامل پنهان و آشکار این دیو آدمیخوار ایستاده اند و تا پای شهادت برای نفی تسلط وحشتناک امریکا بر کشورهای منطقه آماده ایثارند. امریکا باید بداند که ملت ایران خلق قهرمان عرب را فراموشی نخواهد کرد و در مقابل تجاوز بحقوق آنها ساکت نخواهد مهم‌ترین نابرابری، نابرابری در استفاده از آزادیهاست.

روزنامه انقلاب اسلامی (۷ مهر) در سرمقاله‌ای تحت عنوان «گشودن افق امید» از جمله مینویسد: امتیازها از هر نوع باید لغو گردند. مهم‌ترین نابرابری‌ها که باید از بین بروند، نابرابری در استفاده از آزادی است. ما ناگزیریم یکبار دیگر این واقعیت را با زگو کنیم که دستگاه سیاسی پیشین برجاست. وقتی آزادیها تبدیل و تحدید میشوند، در حقیقت هیچ معنایی جز تقویت همین دستگاه ندارد. بخشی از روحانیت و

## در مطبوعات کشور

### آنها که مرگ طالقانی برایشان عروسی بود.

نماینده امام در همدان، در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی از جمله گفت: «مرگ طالقانی برای عده‌ای عروسی بود، زیرا این بزرگ مرد سپری در مقابل ایجاد دو هفت و اختلافات گروهها بود.» او در جای دیگری گفت: «وقتی صحبت مرحوم دکتر علی شریعتی پیش می‌آمد، همین افراد ساواکی انقلابی و مابوضی منبری‌ها گفته بودند عالمی و هابی شده بود.»

(کجهان ۸ مهر)

جرایم مشهودشان مورد رسیدگی قرار بگیرد. بدینسان دستگاه سابق برجا میماند و تقویت میشود و در موقع مناسب از همه محدودیتهائی که بوجود آمده‌اند، بسود خود بهره‌برداری میکنند.

نباید از یاد ببریم که رهبری انقلاب هنوز رهبری نیروی مخالف با رژیم پیشین است و از رژیم پیشین راس رفته بقیه برجاست و اسباب قدرت را نیز در دسترس دارد. آنچه مانع از استمرار مجدد استبداد می‌شود مردم و امام رهبر مردم است. و اگر آزادیها محدود شوند در فرصت فقدان امام ویرا کنندگی مردم، بر احتی میتواند استبداد سیاه تازه‌ئی را بجامعه تحمیل کند.

## یک سال زندان برای حمل اعلامیه

دادگاه انقلاب گرگان باید توجه کند وقتی کسی را بجرم حمل اعلامیه - هر اعلامیه‌ای - به یک سال زندان محکوم می‌کند. وقتی دادگاه انقلاب اهواز دوزن زندانی را باین عنوان که حاضر بحضور در دادگاه نشدند، غیاباً محکوم به حبس ابد می‌کند - حرف ناشنیده در تاریخ زندانی چگونه می‌تواند از حضور در دادگاه امتناع کند! - وقتی... رهبری امام آسپ جدی می‌بینند، بر آنها که امام را در رهبری انقلاب اسلامی ایران یاری رسانند، به نسل جوان و مسول که امام را در مهاجرت تنها نگذاشتند، فرض است با تمام قوا بکوشند، بایستند و مقاومت کنند و نگذارند انقلاب از خط امام بیرون رود.

(انقلاب اسلامی - ۹ مهر)

## فتودالها در سمیرم همچنان حاکم اند

اهالی وردشت و سمیرم، در نامه‌ای خطاب به استاندار اصفهان، نوشته‌اند:

«اکثر زمین‌های منطقه در دست ما لکن منتفذ است که بوسیله ژاندارمری ساواک به زور از کشاورزان غصب شده است و چون بر سر این زمینها اختلاف وجود دارد، احتمال قوی دارد امسال کاشته نشود.»

آنها اضافه کرده‌اند، «بعلم اینکه زمین‌های منطقه در دست فتودالها است، کشاورزان آواره شهرها شده و به عملگری روزگار می‌گذرانند. بقیه هم که در منطقه هستند، احتیاج شدیدی به آذوقه زمستانی دارند و چون نامدتی دیگر برف خواهد بارید و راهها بسته خواهد شد، تقاضا داریم دستور فرمائید مقدار کافی خواروار مانند آرد، روغن، برنج و قند به این منطقه اختصاص بدهند.»

(انقلاب اسلامی - ۸ مهر)

مردم - سمیرم از مناطق بسیار حسان کشور است. ادامه وضع بالا در منطقه، بهترین فرصت برای بهره‌برداری ضد انقلاب است. توجه فوری مسئولان مملکتی را به حل این مشکل و رسیدگی به خواست‌های مردم جلب می‌کنم.

## بمناسبت

# سی امین سالگرد انقلاب خلق چین

اول اکتبر (نهم مهر) از روز پیروزی انقلاب خلق چین سی سال سپری گردید. مردم چین، بر رهبری حزب کمونیست چین، در سی سال پیش، در پی مبارزات قهرمانانه و جنگهای داخلی طولانی، انقلاب خلقی و ضد استعماری را در کشور پهناور خود به پیروزی رساندند و در راه ساختمان سوسیالیسم گام گذاردند.

غلبه بر فاشیسم آلمان و در پی آن میلیتاریسم ژاپن در جنگ دوم جهانی، که بطور عمده در نتیجه پیکار قهرمانانه و تحسین آفرین ارتش و مردم شوروی امکان پذیر گردید، از عوامل موثر و تضمین کننده پیروزی این انقلاب بودند. مردم ستمدیده چین، پس از پیروزی انقلاب، به نظام نوین سوسیالیستی در کشور، برای رهایی از فقر و عقب ماندگی قرون و اعصار و لغو سیستم بیعدالتی که از جانب ارتجاع درونی و استعمارگران و امپریالیسم خارجی بر آنان روا میشد، امید فراوان بسته بودند و با شور و شوق و از خود گذشتگی بی‌مانندی به ساختمان زندگی نوین در کشور خود پرداختند.

در نخستین دهه پس از انقلاب، جمهوری خلق چین و حزب کمونیست چین در خانواده کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی، از پشتیبانی همه جانبه و بیدریغ این خانواده چه در عرصه جهانی و چه در ساختمان زندگی نوین، برخوردار بودند. کشور عقب مانده‌ای مانند چین، با آن سرزمین پهناور و کثرت فوق العاده جمعیت در این سالها، در پرتو کمکهای سرشار اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی موفق شد پایه‌های مادی ساختمان سوسیالیسم را بریزی کند. در این سالها در زمینه گسترش بهداشت و آموزش و فرهنگ و ارتقاء سطح زندگی توده‌های صد میلیون چین گامهای موثری برداشته شد.

هماهنگی سیاست خارجی چین با اردوگاه سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه جهان، در عرصه بین المللی و میان خلقهای جهان، منزلت و مقام شایانی برای خلق چین و نظام سوسیالیستی در آن کشور کسب نمود. قدرت سیاسی و اقتصادی و نظامی اردوگاه سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، وثیقه مصونیت چین از توطئه‌ها و تحریکات و نقشه‌های تجاوزی امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم امریکا بود. وجود جمهوری خلق چین در خانواده کشورهای سوسیالیستی، وزنه سنگینی بود در کفه تقییر تناسب نیروها در عرصه جهانی بِنفع نیرو های صلح و دمکراسی و سوسیالیسم.

اما متأسفانه، همه این جهات مثبت، با چرخش بنیادی در سیاست رهبری چین و تسلط اندیشه‌های مائوئیستی در حزب کمونیست و دولت چین یکباره دگرگون شد. مائوتسه دون و پیروان او که موفق شدند با توطئه و تیرنگ قدرت سیاسی خود را در رهبری حزب و کشور مسلط سازند، با اتخاذ مواضع ایدئولوژیک و سیاسی انحرافی و بظاهر ماوراء چپ، بتدریج به راست ترین مواضع ارتجاعی، توسعه طلبی و جنگ طلبی و همکاری با امپریالیسم جهانی خریدند. هر قدر رهبری مائوئیستی چین در عرصه جهانی از مواضع سوسیالیسم و ترقی دوری کنید، به همان میزان و با شتاب دوچندانی به مواضع سیاه ترین نیروهای ارتجاع و محافظ جنگ طلب امپریالیسم جهانی نزدیک شد. امروز دیگر اندیشه‌ها و نظریات مائوتسه دون و پیروان وی، که مواضع ضد انقلابی و ضد سوسیالیستی خورا در پرده استار میگردند، کاملاً عریان شده و حتی در نزد دو آتشه ترین پیروان مائوئیسم - غیر قابل توجیه و دفاعند. در واقع اندیشه‌ها و نظریات مائوئیستی بسیار زودتر از آن که انتظار میرفت به فقر و ورشکستگی گرایید. امروز هواداران فریب خورده این اندیشه‌ها، با سر خوردگی و آوارگی اندیشه‌ای، کفاره این گمراهی را می‌پردازند.

در درون کشور نیز همه امیدهای تابناک توده‌های ضد میلیونی خلق چین به یاس گرایید.

تحلیل اندیشه‌ها و نظریات نادرست و زیان بخشی که بویژه در «انقلاب فرهنگی» و در ریشه کن کردن همه نهادهای دمکراسی و آزادی در نقض موازین سوسیالیستی در اقتصاد و فرهنگ، در حزب کمونیست و کشور چین تجسم یافتند، برای مردم ستمدیده چین، محرومیت‌های فراوان و میلیونها قربانی به ارمغان آورد. امروز رهبری چین در ستیزه جوئی علیه کشورهای سوسیالیستی، در سیاست توسعه طلبی و تجاوز، جنگ افروزی و نظامیگری با ارتجاعی ترین و جنگ طلب ترین محافظ امپریالیستی در یک جبهه قرار گرفته است. نیروهای ترقیخواه جهان و همه دوستداران صلح، دمکراسی و سوسیالیسم امیدوارند که خلق ستمدیده چین، با الهام از تجارب درخشان انقلابی خود، هر چه زودتر به این دوران کابوس و دهشت پایان بخشد و در شاهراه آزادی و پیروزی و ساختمان نظام سوسیالیستی به پیشروی خود ادامه دهد.

ما سی امین سالگرد این انقلاب پراقتخار را به همه مردم چین از تصمیم قلب تبریک گفته آرزو مندیم که خلق چین سر نوشت شایسته خود را باز یابد و از نتایج انقلابی که بایکبارهای قهرمانانه و از خود گذشتگیهای دلیرانه آن خلق، در سی سال پیش، به پیروزی رسید، برخوردار گردد.

# اسناد حزبی

دردوران توقیف بدون دلیل «مردم» ازجانب کمیته مرکزی حزب توده ایران نامها، اعلامیهها و بیانیتهای متعددی بمناسبت رویدادهای گوناگون انتشار یافت. ازآنجاکه این اسناد، بعلت محدودیتهای موجود، در دسترس همه علاقمندان قرار نگرفته است، «مردم» یار دیگر این اسناد را، برحسب تاریخ انتشار، بچاپ میرساند تا همگان از آن اطلاع یابند.

## اعلامیه

### کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

سال تحصیلی جدید آغاز می شود. سالی به کلی بی سابقه. برای نخستین بار دانش آموزان و دانشجویان ایرانی در حالی به کلاس درس قدم می گذارند که مردم ایران در یک نبرد عظیم انقلابی ضد امپریالیستی و ضد سلطنت فاسد استبدادی پیروزی های بزرگ به دست آورده اند. امسال دیگر نوکران شاه مخلوع، یعنی عاملین امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم و چپاولگری و تحمیق فرهنگی و اشاعه فساد زنگ آغاز سال تحصیلی را به صدا در نخواهند آورد و دیگر، هرگز، ترهات شاه مخلوع به نام «پیام»، فضای نخستین روزهای تحصیلی را زهر آلود و تلخ نخواهد کرد. اکنون دیگر هر جوان و نوجوان ایرانی، که به مدرسه و دانشگاه کام می نهد، می تواند این امید الهام بخش را در دل بهروراند که در راه خدمت به استقلال و آزادی مهن، در راه خدمت به خلق محروم و برای بهروزی به تحصیل خواهد پرداخت؛ می تواند این آینده روشن را مجسم کند که ثمره کوشش هایش در راه کسب علم و فن و نصیب انحصارهای خارجی و غارتگران داخلی، خانواده منفرجه لوی و پادای آن و زالوهای اجتماع نخواهد شد.

بی شک ابرهای تیره ای، که نشانی از خطر است، در افق پیداست، ولی قلب و مغز جوانان و نوجوانان ما، که در بهر رساندن انقلاب بزرگ خلقی، سهم شایسته و گران قدری داشته اند، به آن اندازه آبدیده و غنی، پر شور و پر شعور است که این ابرهای تیره را با یاس انگیز و خوف بار نخواهد دید، بلکه هشدار دهنده و تجهیز کننده خواهد یافت.

آری، آغازی بی سابقه است و این را خود جوانان دانشگاهی و نوجوانان محصل ما به خوبی می دانند، می دانند که در این پیروزی دوران ساز دانش آموزان و دانشجویان چه سهم بزرگ و فرور آفرینی دارند. از ۲۵ سال تسلط جهنمی و مرگبار محمد رضای فاسد حتی یک سال را نمی توان شاهد آورد که دانشگاه ها خاموش مانده باشد و سنگر دانشکده ها و مدارس از مجاهدان و مبارزان خالی. سنت های نبرد دانشگاهی مادر این سال های خفقان و استبداد، بحق ما به فخر و سربلندی همه مردم ایران است. دانشجویان و دانش آموزان ما در تمام این مدت با شایستگی بیان گر خواست های خلق های محروم ایران شدند و هر مهر ماه و آغاز سال تحصیلی را، هر آذر ماه و سالگرد ۱۶ آذر تاریخی را، هر بهمن ماه و یادبود پورش به دانشگاه را و هر خاتمه سال تحصیلی را به مناسبت هایی برای پیکار مقدس و خستگی ناپذیر خود علیه رژیم سلطنتی دست نشانده و اربابان و اربابان بدلیش بدل می کردند. طاقتوران هر بار، لرزه بر اندام و ترسان از جنبش افشاگر دانشجویی، انواع تداپور را، از خونین ترین سرکوب ها تا ظریف ترین فریب ها، اتخاذ می کردند، ولی هر بار با شکستی مفتضحانه روبرو می شدند. در سال فراموش نشدنی انقلاب، دانشگاه ها و مدارس از مهم ترین، شعله انگیز ترین و پر تدابور ترین کانون های انقلاب بودند. یاد آن همه قربانی و فداکاری و ایثار را خلق ایران، و تاریخ ایران هرگز فراموش نخواهد کرد. نقش جوانان و نوجوانان دانش پژوه ما در این انقلاب بزرگ جاودانه بر سینه ها، بر عقول و بر صفحه تاریخ ثبت است.

سال تحصیلی جدید در شرایط به کلی تازه ای آغاز می شود. از یک سو دستاوردهای بزرگ انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی در برابر همه ماست و لزوم دفاع از آن ها، تثبیت و تحکیم و گسترش آن ها؛ از سوی دیگر فعالیت های خطرناک ضد انقلابی و چرخش به راست و خطر محو یا محدود کردن بسیاری از این دستاوردها و ضرورت هشجاری هر چه ژرف تر و اتحاد هر چه محکم تر به خاطر رفع خطر.

این شرایط به کلی تازه، وظایف به کلی تازه ای را در برابر جوانان و نوجوانان در سال تحصیلی جدید قرار میدهد. باید همه کوشش خلاقه و نوآورانه، اصولی و پر زور را به کار برد تا در شرایط جدید، برداشت کهنه نداشت و با وسایل گذشته عمل نکند. باید تحلیل مشخص وضع جدید را در تغییر دائمی آن و مسائل جدیدی که هر روز زائیده می شود و شوهه های جدید بر خورد با آن ها مدنظر هر دانشجو و دانش آموز آگاه و متعهد و مسئول باشد.

وظیفه ماست که متوجه باشیم محافل راست گرای انحصار طلب در سال تحصیلی جدید خواهند کوشید از برخورد آزادانه عقاید و افکار جلوگیری کنند، جو ویژه و محدودی را بر محیط دانشکده ها و دبیرستان ها تحمیل نمایند، با دستاویز های تازه ای جلوی آزادی فعالیت و عمل اجتماعی و مشارکت و مشورت در امور را بگیرند، اصل تحمل عقاید دیگران را ناریده بگیرند. ضد انقلاب هم آشکار و پنهان از این تلاش پشتیبانی می کند. این گرایش که آستان خطرات بسیاری است، با توجه به سنت های درخشان گذشته، بی شک راه به جایی نخواهد برد، ولی می تواند مانع جریان عادی امور تحصیلی

اداری و فرهنگی ملی را اعمال میکنند که حدود آنرا قانون تعیین میکند...

شبیه این پیشنهاد، که ماهیت آن تا میزن و تضعیف شرکت واقعی مردم در تعیین سرنوشت خویش است، از جانب بسیاری از محافل و شخصیت های انقلابی و مترقی نیز ارائه شد، که در این زمینه، قبل از همه، باید از نظام شورائی پیشنهادی روانشاد آیتاله طالقانی یاد کرد.

متأسفانه نه فقط این پیشنهادها مورد توجه مقامات مسئول قرار نگرفته است، بلکه تصمیم وزارت کشور درباره انتخابات شوراهای شهر نشان میدهد که دولت تصمیم دارد تشکیل شوراهای شهر را جانشین نظام شورائی پیشنهادی آیتاله طالقانی سازد. و این نخستین و مهمترین انتقادی است که ما به این تصمیم داریم، زیرا، از پیشنهاد حزب توده ایران در این زمینه که بگذریم، نظام شورائی پیشنهادی آیتاله طالقانی بر مراتب از متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر، که توسط وزارت کشور انتشار یافته، کاملاً، منسجم و درمکراتیک تر است.

از این انتقاد اصولی و اساسی که بگذریم، نقائص جدی دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، که مهمترین آن بشرح زیرین است:

۱) در هر انتخاباتی، از جمله انتخابات شوراهای شهر، باید

بقیه در صفحه ۳

روز اول مهرماه ۱۳۵۸، وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای ۱۵۶ شهر در روز ۱۹ و ۲۰ مهرماه ۱۳۵۸ انجام خواهد شد. روز ۴ مهرماه ۱۳۵۸ متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر انتشار یافت. در همان روز وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای شهر در تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان و اهواز به تعویق می افتد، زیرا بعلت شرایط خاص این شهرها باید آئین نامه جداگانه ای برای انتخابات شوراهای این شهرها تنظیم شود. روز ۷ مهرماه ۱۳۵۸ وزیر کشور ضمن توضیحاتی درباره انتخابات شوراهای شهر، تعیین اختیارات و وظایف شوراهای شهر را بیعده موکول کرد.

حزب توده ایران هنگام اعلام نظر خود درباره پیش نویس قانون اساسی، در مورد نظام شورائی در کشور پیشنهادی بشرح زیرین ارائه داد:

«حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال میشود. مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور، قدرت مرکزی را اعمال میکند و شوراهای استان، شهرستان، شهرستان، که از طرف اهالی هر یک از بخشهای مذکور انتخاب میشوند، طبق اختیارات مشخصی که بتصویب مجلس شورای ملی میرسد، نسبت به امور داخلی قلمرو خود و در حد مسئولیتها و وظایف خود حاکمیت خلق را اعمال میکنند. تقسیمات کشوری باید بر پایه خصوصیات ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی، شوراهای حقوق

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره مسئله کردستان

که از دهها سال پیش تاکنون، چگونگی برخورد انقلابی و اصولی به مسئله حقوق ملی خلقهای ایران را با پیگیری ارائه داده است. حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است که پس از انقلاب پیروزمند مردم ایران، بموقع در باره آنچه که در کردستان میگذشت، هشدار داد. حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است که پس از بحران کردستان، راهحل انقلابی و اصولی این بحران را در بیانیه کمیته مرکزی حزب، بمناسبت حوادث اخیر کشور مورخ ۶ شهریورماه ۱۳۵۸ عرضه داشت. اینک نیز ما به فراخوان نخست وزیر، که در ستمی درست و مطابق با مصالح انقلاب مطرح گردیده، پاسخ بقیه در صفحه بعد

پس از حوادثی که در کردستان گذشت، اکنون محافل مختلف سیاسی و اجتماعی کشور به پاسخ این سؤال می اندیشند که چه باید کرد تا به جنگ برادر کشی پایان داده شود، مسئله بطور بنیادی حل شود و امکان بروز حوادث دیگر در کردستان از میان ببرد؟

آقای مهندس بازرگان نخست وزیر، در نطقی که هنگام مسافرت اخیر به مهاباد ایراد کرد، گفت:

«از همه انتظار این را داریم که بما کمک کنند، همراهی کنند، تا در آن چیزی که رضای خدا و خیر امت در آنست، موفق شویم و این لکه ننگ تاریخ را، که اختلاف بین سنی و شیعه و عرب و فارس و کرد و ترک هست، از بین ببریم.»

حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است

و مشارکت اجتماعی دانشجویان و دانش آموزان ما باشد و در نهایت امر به اهداف انقلاب و تحکیم آن زبان های جدی وارد سازد.

وظیفه ماست که متوجه باشیم هر گونه هرچ و مرج و تندروی های بی موضوع و پر خروش، اما بی محتوی و سبکسرانه، می تواند بهترین وسیله برای دادن بهانه، هم به ضد انقلاب و هم به محافل راست گرای انحصار طلب باشد، می تواند بجای آن که کوشش اساسی را در جهت اتحاد همه گروه ها و گرایش های انقلابی و مؤمن به نبرد ضد امپریالیستی و آزادی خواهانه متمرکز کند، به سوی نفاق و چند دستگی بکشد، نیروها را هرز دهد و به جان هم بیندازد و از جهت دیگری مانع جریان عادی امور تحصیلی و شرکت فعال و مؤثر در نبرد ضرور اجتماعی به خاطر پیشبرد راستین انقلاب شود.

باید متوجه و بهوش باشیم تا بتوانیم سال تحصیلی تازه را به سال اتحاد نیروهای واقعی انقلابی و مترقی، به سال انفرادی و نهائی ضد انقلابیون آشکار و پنهان و خدمت گزاران آشکار و پنهان امپریالیسم بدل سازیم. بر آستی دانشگاه ها و مدارس ما، که سال های سال ندای نبرد متحد ضد شاه و ضد استعمار سر می دادند، چرا حالا نتوانند نمونه ای برای وحدت عمل همه گروه ها و گرایش های سیاسی و اجتماعی که دارای هدف مشترک ضد امپریالیستی و خلقی هستند، به دست دهند؟ بهوش باشیم و به انحصار طلبی و به هرچ و مرج مبدان ندهیم. بلوغ نسل جوان و دانش پژوه را در این دوره بنریج-

گذار انقلابی ثابت کنیم. مردم زحمتکش ایران نگران آنند که در وضع بسیار بفرنج و بیجهت کنونی، چگونه دانشجویان و دانش آموزان ایرانی رشد اجتماعی خود را نشان خواهند داد. به یاری انقلاب خواهند شتافت، با بلوغ و درایت، پختگی و روشن بینی از یک سو هر چه جدی تر و مصممانه تر در راه کسب علم و فن و نیل به استغنائی فرهنگی و علمی کشور در نتیجه تحکیم پایه های استقلال مهن خواهند کوشید و از سوی دیگر در صحنه اجتماعی، بیدار و آگاه، به سود انقلاب و پیشبرد آن عمل و مشارکت خواهند نمود.

باید دیگر در این نخستین روز نخستین مهر پس از سرنوشت رژیم استبدادی دست نشانده امپریالیست های جهاننوار، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، خاطر جاودانه دانش آموزان و دانشجویان پرشوری را که در پیکار دلیرانه خود به خاطر استقلال و آزادی مهن شربت شهادت نوشیدند، گرامی بداریم و سال تحصیلی را با هشجاری، با جدیت، با حس مسئولیت، با تمهید آگاه آغاز کنیم روشن بنانه، آرام و قاطع بادشورای ها و بفرنجی ها روبرو شویم تا شایستگی خود را برای انجام وظائف جدید و رسالت های نو نشان دهیم!

متحد باشیم و در راه اتحاد بکوشیم! اتحاد ما ضامن پیروزی مبارزه ما در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ما خواهد بود.

### کمیته مرکزی حزب توده ایران

اول مهرماه ۱۳۵۸



## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره مسئله کردستان

بقیه از صفحه ۴

مثبت می‌دهیم و می‌خواهیم برای از بین بردن این «لکه ننگ تاریخ» به دولت موقت جمهوری اسلامی کشورمان کمک و همراهی کنیم و لذا بار دیگر و با تفصیل بیشتر، علل بروز بحران کردستان و راه حل آن را بیان داریم.

در آغاز طرح مسئله، خود را از تذکر یکرشته واقعیات ناگزیر می‌دانیم. پایه این واقعیات عبارت از اینست که در ایران خلقهای ستمدیده‌ای وجود دارند، که یکی از آنها خلق کرد است. این خلق طی قرون و اعصار متمادی تاریخ در میهن خود ایران، دوش بدوش همه خلقهای برادر زیسته، در ایجاد فرهنگ غنی ایران شرکت نموده و در راه آزادی و استقلال ایران جانبازیها کرده و قربانیها داده است. تاریخ شاهد آنست که خلق کرد در دورانهائی در صف مقدم همه خلقهای مسلمان قرار گرفته، و بسرکردگی مردانی چون صلاح‌الدین ایوبی، از استقلال و آزادی این خلقها و از تمدن و فرهنگ آنها علیه مهاجمان صلیبی دفاع کرده و حق بزرگی بگردن جنبش رهائی-بخش این منطقه جهان نهاده است.

پس از برقراری تسلط امپریالیسم و استبداد بر میهن ما ستم‌ملی به بخشی از سیاست دولتهای دست‌نشانده و استبدادی مبدل شد و خلقای محروم ایران زیر ستم مضاعف قرار گرفتند.

منظره عمومی اعمال این ستم و نتایج آن در کردستان چنین بود که در سرتاسر دوران حکومت خاندان پهلوی، حق انتخاب انجمن‌های ایالتی و ولایتی مصوب در قانون اساسی سابق، از خلق کرد نیز، مانند دیگر مردم ایران، سلب شده بود. خلق کرد حق مداخله در امور صرفاً محلی را نیز نداشت و همه مأموران و استانداران و فرمانداران و رؤسای ادارات از طرف شاه و دولت وی فرستاده میشدند، که در اینجا نیازی به توصیف اعمال و خواص آن ابلیس صفتان نیست. اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مناطق کردنشین در مجلس شوملی، گماشتگان دربار و ایادی امپریالیسم و استعمار بودند و خلق کرد در «انتخاب» آنها کمترین دخالتی نداشت. مأموران کشوری و لشکری و ساواکی، همدست با خوانین و دیگر گردنکشان محلی و مرکز نشینان طاغوتی، این خلق محروم را می‌چاپیدند. به جای آبادی و فرهنگ و بهداشت، به کردستان تانک و توپ و پلیس میفرستادند. هر گاه کاسه صبر این خلق لبریز میشد و سر با اعتراض بر میداشت، در نهایت قساوت و بیرحمی و بعنوان مبارزه با «قطاع الطریق» و «متجاسر» و «تجزیه طلب» وی را سرکوب میکردند. بارها و بارها در کردستان سیل خون مردم بیگناه بره افتاد. مردم کرد زیر ساطور مأموران شاه مخلوع قتل‌عام میشدند و امکان رساندن حرف خود ب مردم ایران و ادخواهی از وجدان پاک هم‌میهنان خود را نداشتند. خلق کرد از حق تحصیل بزبان مادری، که شرط اساسی برای از بین بردن بیسوادی و بالابردن سطح فرهنگ عمومی است، محروم بود. فرهنگ و هنر ملی و مردمی خلق کرد، که یکی از ارکان بزرگ معنویات و ویرا تشکیل میدهد، راهی برای رشد نمییافت. و بطور تصنعی و اجباری، بارکود و فراموشی و افول مواجه میگردد. هویت و موجودیت ملی خلق کرد مورد نفی و انکار و اهانت قرار میگرفت. در باره رشد صنعت و کشاورزی و بازرگانی و راهسازی و آبادانی و آموزش و پرورش و بهداشت و غیره اصولاً سخنی نمیتوان گفت، زیرا رژیم پهلوی کردستان را از این مواهب و نعمات محروم ساخته بود، بطوریکه از این لحاظ کردستان، در ایران محروم و عقب مانده، در ردیف عقب مانده‌ترین و محرومترین مناطق کشور بود.

این بود گوشه‌ای از منظره واقعی آن کردستانی که شاه مخلوع ریاکارانه آنرا «مهد تمدن آریائی» مینامید. کلیه آنچه که گفته شد (که بخشی از آن جزو ستم همگانی بود که بر همه مردم ایران وارد میگردد، و بخش دیگر آن، ستم ملی و مختص کردها و دیگر خلقهای ستمدیده ایران بود) زندگی را برای مردم کردستان به جهنم واقعی مبدل کرده بود.

این سیاست و این وضع تا انقلاب پیرومند مردم ایران ادامه داشت. خلق کرد در سیمای این انقلاب رمز رهائی و سعادت خود را مشاهده میکرد، و لذا با تمام توانائی در آن شرکت کرد. مردم همین مهاباد و سقز و مریوان و پاره دوش بدوش مردم تهران و قم و تبریز و مشهد و اصفهان، زیر رهبری امام خمینی، علیه رژیم پهلوی قدهلم کردند و هزارهاتربانی دادند.

پس از پیروزی انقلاب، خلق کرد، مانند همه مردم رنجیده ایران، انتظار آنرا داشت و دارد که نظام جمهوری اسلامی ایران، کلیه سیاستها و برخوردها و مناسبات طاغوتی گذشته را، که منظره کلی آن در بالا ترسیم شد، از بیخ و بن ریشه کن سازد و دروازه‌های روشن آزادی و عدالت را بروی وی بگشاید. خلق کرد از صمیم قلب آرزوی آنرا داشته و دارد که اولین حکومت ایران، که برای نخستین بار در تاریخ،

زنجیر ستم ملی را از گردن وی برداشته و حقوق ملی وی را تأمین خواهد کرد، حکومت جمهوری اسلامی ایران باشد. خلق کرد ایران را طبیعی‌ترین وطن و مطبوع‌ترین مکانها برای خود میداند و آنچه میخواهد جدا شدن از ایران نیست، بلکه فقط اینرا خواسته و میخواهد که در چهارچوب این وطن، که از ماکو تا چاه‌بهار و از آبادان الی سرخس، همه نقاطش برای او یکسان عزیز و گرامی است، در خانواده پرمهر و محبت همه برادران ایرانی خود آزاد و بی زنجیر زندگی کند، و تا حدودی که امروز منافع همگانی انقلاب و مردم ایران اجازه میدهد، بوی اختیار اداره کردن امور صرفاً محلی اعطا گردد.

اینها بخشی از واقعیاتی بود که توجه بانها میتواند به حل عقلائی مسئله کمک کند. بنظر ما شرح مختصری که در بالا، در مورد کنه مطلب دادیم، کمک جدی به روشن شدن اذهان عمومی و طرح مسئله است، زیرا این واقعیات روشن میسازد که مسئله کردستان مسئله امروز و دیروز نیست سال و سی سال قبل نیست، بلکه مسئله ایست دارای ریشه‌های عمیق تاریخی و از احتیاجات مبرم توده‌های وسیع خلق کرد سرچشمه میگردد. بسیاری از ناظران بر حوادث در این نظر متفق القولند که مسئله کردستان بمراتب عمیق‌تر از آنست که بتوان علت آنرا تنها با تأثیر تحریکات ضد انقلاب توضیح داد. شک نیست که آن خطمشی، که کار کردستان را به مقابله سیاسی و نظامی کشانید، یک خطمشی ضد انقلابی بود و طراحان این خطمشی، امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و بقایای رژیم منفرود پهلوی بوده هستند. ولی وجود توطئه و عمل ضد انقلاب، بهیچوجه نمیتواند و نباید موجب آن گردد که واقعیت اصلی، یعنی موجودیت خلق ستمدیده کرد و خواستها و نیازمندیهای بحق و عادلانه وی از مرکز توجه دور شود و بعنوان مبارزه با ضد انقلاب، این خواستها و نیازمندیها نفی گردد.

در نهایت تأسف باید بگوئیم که گاهی که میتوانست بر احوالی با ناخن باز شود، بدندان حواله شد و کمترین بهائی که برای این چرخش ناگوار تاکنون پرداخته شده اینست که همه شاهد آنیم: سنگر بندی برادر علیه برادر، ریختن خون برادر بدست برادر و مسموم گشتن محیط سیاسی کشور، محیطی که - بگفته امام خمینی - به آرامش و تفاهم حد اعلائی احتیاج را دارد. ولی تاریخ هرگز راه را بروی خرد انسانی نمی‌بندد. آنانکه جز خدمت به خلق هدف دیگری ندارند، همواره شجاعت آنرا نیز در خود مییابند که جویای راه‌حلهای درست‌تری باشند. رهبران انقلاب بارها و با لفظ «کردستان بزرگ» و «کردستان عزیز» خلق کرد را مورد خطاب قرار داده است و بروی وحدت کلمه و لزوم آرامش و تفاهم تکیه خاص میکنند.

استاندار کردستان گفته است: «... معتقدم دولت قدرت آنرا دارد که بجای اعزام نیرو و فانتوم و هلیکوپتر به منطقه کردستان، با طرف مقابل وارد مذاکره شود... اعتقاد من اینست که دولت کنونی با حسن نیت کامل آمادگی انجام مذاکره و رفع غائله را دارد و حالا اگر تعداد معدودی از افراد دولت این سلیقه را ندارند و به تشنج در منطقه دامن می‌زنند، سخت اشتباه میکنند».

استاندار آذربایجان غربی پیشنهاد کرده است که: «کاروان خدمت و صلح و دوستی» در مناطق کردنشین ایجاد شود. روزنامه «امت» معتقد است که بعوض اتکای صرف به نیروی نظامی و مبارزه با معلولها، باید ب مردم کردستان تکیه نمود و با قاطعیت علیه ریشه‌ها و علل ایجاد کننده بحران مبارزه کرد.

یکی از روحانیون مهاباد به نخست‌وزیر گفته است: «عفو و محبت و دست‌دوستی دراز کردن، از تانک و فانتوم و دیگر سلاحها مؤثرتر است».

توده‌های مردم کردستان میگویند: ما ایرانی هستیم و با تجزیه یک وجب از خاک ایران و کاستن یک کلوخ از مرز و بوم این خاک با تمام وجود خود مخالفیم. ما تنها خواستار حقوق حقه ملی خود هستیم. ما از انقلاب بزرگ مردم ایران، که در راهش قربانیهای بسیار داده‌ایم، انتظار داریم که این خواستهای مشروع و عادلانه را برآورده سازد. ما خواستار از بین رفتن فقر و محرومیت و عقب ماندگی هستیم. ما میخواهیم که حیثیت انسانی ما خدشه دار نگردد. ما میخواهیم این حق طبیعی ما داده شود که در چهارچوب وحدت ملی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و مرکزیت قدرت دولتی، از خود مختاری اداری و فرهنگی برخوردار باشیم. بدین ترتیب بروشنی دیده میشود که علیرغم اصرار برخی از مقامات در ادامه سیاست سرکوب نظامی، در عقول و قلوب همگان، یک زمینه مردمی و معقول درباره مسئله کردستان وجود دارد. ما با احساس مسئولیت و تعهدی که در مقابل میهن، خلق و انقلاب داریم و با درک بفرنجی مسئله ملی و با فهم اینکه خرابیهای رژیم گذشته را نمیتوان یکشنبه مرمت کرد و این کار به برنامه‌ریزی، سازماندهی، تهیه کادر، وسائل و بالاخره به

زمان و محیط مساعد احتیاج دارد، میخواهیم در پاسخ فراخوان نخست‌وزیر، پیشنهادهای مشخص خود را، که هدف آن خارج شدن از این بست و قرار دادن مسئله کردستان در مسیر سالم و صفا و اتحاد است، بار دیگر مطرح سازیم.

دولت باید این واقعیت بی‌چون و چرا را قبول کند که مسئله کردستان یک مسئله نظامی نیست تا از طریق نظامی قابل حل باشد، بلکه همانطور که در بالا شرح داده شد، یک مسئله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. لذا دولت باید سیاست خود را در کردستان بر مبنای راه حل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دهد. راه حل نظامی در بهترین حالت فقط مسکن است و نه علاج، آنهم مسکنی که پس از آنکه تأثیرش سپری شده، ممکن است دردهای بس شدیدتری را بدنبال داشته باشد، که مادر گذشته بارها و بارها شاهد آن بوده‌ایم.

**لذا به دولت پیشنهاد میکنیم:** بی‌درنگ به عملیات نظامی پایان دهد، آتش بس اعلام کند، محاکمه و صدور رأی در دادگاههای انقلاب را متوقف سازد و آمادگی خود را برای مذاکره و حل مسالمت‌آمیز و سیاسی مسئله کردستان اعلام نماید. توده‌های آگاه و روشن بین خلق کرد باید این واقعیت بی‌چون و چرا را، که خود بر آن واقفند، امروز عمیق‌تر درک کنند که سرنوشت خلق کرد بطور ناگسستی با سرنوشت همه مردم ایران بستگی دارد و آزادی این خلق از زیر یوغ ستم ملی و اجتماعی در گرو پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ایران است. جستجوی آزادی و عدالت در خارج از این صراط مستقیم زحمتی است بیهوده، که جز سرگردانی و گمراهی و فاجعه‌چیزی بیارنمی‌آورد.

**لذا به توده‌های آگاه و روشن بین خلق کرد پیشنهاد میکنیم:** باتمام نیرو و ابتکار انقلابی و شجاعت معنوی خود از درگیری با نیروهای دولتی و پاسدار احتراز کنند و برای پایان دادن به محیط مسموم و بحران‌زای ناشی از حوادث ناگوار اخیر، برای ایجاد محیط سالم و آرام بمنظور مذاکره و حل مسالمت‌آمیز و سیاسی مسئله کردستان، یافتن زبان مشترک و تفاهم با دولت جمهوری اسلامی ایران و سرانجام تحقق حقوق حقه ملی خود، از هر امکان و فرصت و وسیله مسالمت‌آمیزی استفاده کنند.

خلاصه آنکه، ما به دو طرف پیشنهاد میکنیم: **بیدرنگ و همزمان به عملیات نظامی پایان دهند و آمادگی خود را برای مذاکره و یافتن راه حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان اعلام دارند.**

مذاکره برای یافتن راه حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان برای رسیدن به تفاهم مبرم زیرین است:

۱- تأمین خواستهای بحق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت‌های ملی.

۲- تأمین اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه کن ساختن عوامل امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم، ارتجاع و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و در سراسر ایران.

بنظر ما، تشکیل شوراها - آنطور که فقید سعید آیت الله طالقانی پیشنهاد میکرد و بتصویب امام خمینی و شورای انقلاب هم رسیده بود - میتواند زمینه مناسبی برای مذاکره بمنظور نیل به تفاهم فوق باشد.

چنین است پیشنهادهای ما، که البته میتواند، بکمک پیشنهادهای سایر نیروهای انقلابی، کاملتر، عمیق‌تر و کارا تر شود. ما با احساس مسئولیت کامل در برابر مردم ایران، خلق کرد و انقلاب ایران، با واقع بینی انقلابی و اصولی این پیشنهادها را طرح کرده‌ایم و همانطور که در بیانیه کمیته مرکزی حزب بمناسبت حوادث اخیر کشور، مورخ ۶ شهریور ۱۳۵۸، تأکید شده است، آماده‌ایم تمام نیرو و امکان خود را برای حل مسالمت‌آمیز و عادلانه مسئله کردستان بکار ببریم. ما امیدواریم این پیشنهادها و سایر پیشنهادهای ناشی از حس تعهد و مسئولیت، مورد قبول مقامات دولتی و مسئول قرار گیرد. در آن صورت آب بر آتش پاشیده و سنگرها برچیده خواهد شد و برادران به آغوش هم باز خواهند گشت. در آن صورت عمال امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ایادی شاه مخلوع منفرد و برملا و بدست خود خلق سرکوب خواهند شد، دیگر زمینه و بهانه و دستاویزی برای تحریک و توطئه نخواهند یافت.

مسئله کرد یک واقعیت خلقی و انسانی است. ضد انقلاب میکوشد از آن علیه انقلاب سوء استفاده کند. دلیلی ندارد که انقلاب از این واقعیت بسود خود حسن استفاده نکند و با قبول حقوق عادلانه یک خلق، آنرا بسرباز و فادار خود مبدل نسازد.

کمیته مرکزی

حزب توده ایران

۲ مهرماه ۱۳۵۸

بخش دوم از سخنرانی رفیق فیدل کاسترو  
در کنفرانس غیرمتعهدها در هاوانا

توطئه‌ها و تجاوزگری‌های  
امپریالیسم امریکای هبری  
چین علیه خلق‌ها



خلق قهرمان فلسطین از سرزمین زادبوم خود محروم و از میهن خود رانده شده است. سرنوشت این خلق تجسمی از قهرمانی و فداکاری و میهن پرستی و در عین حال نمودار بارز جنایت بزرگ دوران ماست. خواست برحق این خلقها و دیگر خلق‌های کشورهای عرب، طی بیست سال، همواره از پشتیبانی همه نیروهای ترقیخواه و جنبشی ما برخوردار بوده است. سرزمین خلق فلسطین و دیگر کشورهای عرب (سوریه، اردن و مصر) قطعه قطعه بوسیله تجاوزکاران، که تانک‌ها را با مدرنترین اسلحه‌های مخازن امریکا مسلح بودند، اشغال شده است. اما تمام قطعنامه‌های سازمان ملل متحد از جانب تجاوزکاران و متحدین امپریالیستی آنها با بی‌اعتنائی تلقی ورد میشوند.

امپریالیسم، با کوشش برای کشاندن براه خیانت و ایجاد نفاق، تصمیم دارد صلح مورد نظر خود را در این منطقه تحمیل کند. صلح مسلح، صلح غیرعادلانه و خونبار، که هرگز صلح واقعی و پایدار نخواهد بود.

موافقتنامه کمپ دیوید خیانت آشکار است بمنافع اعراب، خیانتی است نسبت به خلق فلسطین، خلقهای لبنان، سوریه، اردن و بسمه خلقهای عرب از آنجمله مردم مصر. این موافقتنامه‌ها در عین حال خیانتی است نسبت به همه خلقهای ترقیخواه، که در سازمان ملل متحد و همه مجامع بین‌المللی همواره از جلعاد لانه بحران خاور نزدیک، بطریقی که برای همه قابل قبول و دارای ضمانت باشد، جانبداری کرده و میکنند. بر پایه چنین موافقتنامه‌های غیرعادلانه و بر پایه یک چنین سیاست مزورانه و بر پایه خیانت به منافع خلقهای عرب نمیتوان صلح را در این منطقه برقرار ساخت.

در این منطقه، امپریالیسم میخواهد بجای یک ژاندارم، دو ژاندارم، یعنی اسرائیل و مصر را علیه خلقهای عرب و خلقهای افریقا در اختیار داشته باشد. آخر اگر میان مصر و اسرائیل صلح برقرار شده پس چرا اسلحه تسلیحات امریکا به آنجا سرازیر میشود؟ گرچه این تسلیحات از حیث کیفیت در سطح نازلتری از تسلیحاتی است که در یک زمان به اسرائیل داده میشد، ولی آیا این تسلیحات برای آن نیست که بر علیه خلقهای دیگر این منطقه از آنجمله خلق مصر بکار برده شود؟

در سیاست بین‌المللی رعایت موازین اخلاقی ضرور است. جنبش کشورهای غیرمتعهد موظف است که حداقل با قاطعیت موافقتنامه‌های کمپ دیوید را محکوم کند.

طی دهها سال، ماناظر توطئه‌ها و تحریکات امپریالیستها در زیمبابوئه بودیم. در این سرزمین شش میلیون افریقایی در زیر سلطه اسارتبار و چارپارانه یک مشت اقلیت فاشیست خونخوار عذاب میکشند. جنبش ما موظف است با قاطعیت به اصطلاح حل و فصل در این کشور و رژیم دست‌نشانده موزور را محکوم کند و از جنبه میهن پرستان، یگانه نماینده واقعی خلق زیمبابوئه، حداکثر پشتیبانی خود را ابراز دارد.

چرا نژاد پرستان رودزیا و جمهوری افریقای جنوبی بخود اجازه میدهند هر روز سرزمین سوزامبیک، زامبیا، آنگولا و بوتسوانا را بمباران کنند و هزاران تن از مردم این کشور را بقتل برسانند؟ علت چیست که تجاوزگران صهیونیستی هر روز اردوگاههای آوارگان فلسطین و شهرها و دهات لبنان را مورد حملات هوایی و آتش توپخانه قرار میدهند؟

این حملات و تجاوزها بامدیرترین ابزار آدمکشی و ویرانگری انجام میگردد. چه کسی این تسلیحات را در اختیار آنان میگذازد؟ آیا این واقعیات دلایل غیرقابل انکاری بر نقش تجاوز کارانه امپریالیسم نیست و نشانه آن نیست که امپریالیستها چه نظامها و نظامهایی را میخواهند بر این سرزمین تحمیل کنند؟ آیا این اعمال راجع جنایت چیز دیگری میتوان نامید؟ آیا این شیوه‌ها و روشها،

با آن چیزی که آلمان فاشیستی در زمان خود اعمال و موعظه میکرد، تفاوت دارند؟ مشکل دیگر قاره افریقا، مسئله صحرای باختری است. مازحق مردم قهرمان این سرزمین به استقلال و از نماینده قانونی آن، جبهه پولیساریو، پشتیبانی میکنیم.

ماز مردم قبرس در مبارزه علیه مداخله و اشغال خارجی، در راه برقراری صلح و بخاطر همزیستی برادرانه میان تمام گروههای ملی در این کشور حمایت میکنیم.

موضع کوبا نسبت به مسائل جنوب خاوری آسیا روشن و مفهومی است. ویتنام برای مردم کشور ما مقدس است. در دوران ماهیج خلقی مانند خلق ویتنام بخاطر آزادی ملی و رشد آگاهی خلقها مصیبت و محرومیت نشده و به این مقیاس بزرگ فداکاری و از خودگذشتگی نشان نداده است. و هیچ خلق دیگری یک چنین ودیعه گرانقدری در مبارزه بخاطر آزادی ملی و رشد آگاهی خلقها در مبارزه ضد امپریالیستی از خود نگذاشته است. سرزمین ویتنام آماج چهاربار بیش از آنچه در تمام دوران جنگ جهانی دوم بمب بکار برده شده، گردید. در ویتنام پوزمه مقتدرترین کشور امپریالیستی بظاک مایده شد. حماسه ویتنام بسمه خلقهای جهان نشان داد که هیچ قدرتی نمیتواند بر خلقی که عزم راسخ برای مبارزه بخاطر آزادی خویش دارد، پیروز شود.

مبارزه خلق ویتنام در عین حال مبارزه‌ای بود بخاطر شرف و حیثیت همه خلقهای مستعبد شده جهان. اکنون که ویتنام از نو به آماج توطئه‌ها و اتهامات امپریالیسم امریکا تبدیل شده و قربانی تجاوزکاری خائنانه دسیسه‌های دولت چین گردیده است، کوبا با قاطعیت از خلق ویتنام جانبداری میکند.

چه کسی به چین حق داده است که به سرزمین این کشور تجاوز کند، هزاران تن از اهالی این کشور را بقتل برساند و دستاوردهای این خلق را نابود سازد و این جنایات را در درس آموزی به ویتنام عنوان کند؟

داروسته زمامداران چین، پینوشه را حمایت میکنند، از تجاوز جمهوری افریقای جنوبی علیه آنگولا پشتیبانی میکنند، از شاه مخلوع ایران و ساموزا حمایت میکنند، از سادات پشتیبانی میکنند و اسلحه در اختیار او میگذارند محاصره کویار از جانب امپریالیسم امریکا و وجود پایگاه نظامی دریایی امریکادر گواتاناما سرزمین کویار را موجه میدانند. رهبری چین از پیمان نظامی تجاوزکار ناتو حمایت میکند و با ایالات متحده امریکا و نیروهای ارتجاعی اروپا و سراسر جهان در جنبه واحدی قرار میگردد. آیا این رهبری حق دارد بدیگران درس آموزی کند؟

موضع کوبا در مسئله کامبوج کاملا روشن است. ماشورای انقلابی رایگانه دولت قانونی جمهوری توده‌ای کامبوج میشناسیم. ما با قاطعیت رژیم آدمخوار پلپت وینگ ساری را محکوم میکنیم. این رژیم مشبه به قتل سه میلیون نفر از مردم کامبوج است.

ما با قاطعیت از مبارزه خلق کره در راه احیاء وحدت کشور خود پشتیبانی میکنیم. ما تجزیه و اشغال بخشی از این کشور از جانب واحدهای نظامی ایالات متحده امریکارا محکوم میکنیم. امپریالیسم امریکا، چنانکه وعده داده، نه تنها نیروهای مسلح خود را در این کشور کاهش نمیدهد، بلکه آنها را افزایش میدهد و بر ظرفیت تجاوزی آنها میافزاید.

در برابر این تجاوزات و توطئه‌ها، جنبش کشورهای غیرمتعهد موظف است که وحدت خود را حفظ کند و برای حل مسأله آمیز هرگونه اختلاف نظری که میان اعضای این جنبش پدید می‌آید، بکوشد. جنبش ما موظف است تصمیمات خود را بر مبنای عدالت، واقع بینی و منطق سیاسی اتخاذ کند.

ادامه دارد.

دنباله اعلامیه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
در باره انتخابات  
شوراهای شهر

بقیه از صفحه ۴

آزادیهای دمکراتیک: آزادی بیان، قلم، مطبوعات، احزاب، سندیکاها، اجتماعات، تظاهرات و... همه جانبه و اکیدا تأمین و تضمین گردد، تا هم رای دهندگان بتوانند با آگاهی و آزادی کامل در تعیین سرنوشت خویش شرکت کنند و هم نامزدهای انتخاباتی بتوانند با آزادی کامل و با استفاده از تمام امکانات برنامه خویش را به مردم ارائه دهند.

در شرایطی که بسیاری از احزاب، سازمانها، گروهها و مطبوعات ملی و دمکراتیک یا از فعالیت آزادانه و قانونی ممنوع اند یا فعالیت آنها محدود شده است، در شرایطی که جو ناساعدی برای ابراز نظر و فعالیت سیاسی، بویژه برای نیروهای راستین چپ، ایجاد کرده اند، چگونه میتوان از تأمین و تضمین شرکت آگاهانه و آزادانه مردم - اعم از رای دهندگان و نامزدهای انتخاباتی - در انتخابات شوراهای شهر سخن گفت؟

۲) وزارت کشور، پس از آنکه تاخیر در آغاز کار، با تصمیمات خود در مورد انتخابات شوراهای شهر، این محدودیت را باز هم محدودتر کرده است. زیرا چگونه مردم میتوانند فقط طی یک هفته (نامزدهای انتخاباتی باید در ۱۲ مهر خود را معرفی کنند) با نامزدهای انتخاباتی و برنامه‌های آنان آشنا شوند؟ چگونه نامزدهای انتخاباتی میتوانند طی این مدت کوتاه مردم را با خود و برنامه‌های خود آشنا کنند؟ علاوه بر این، تعویق انتخابات شهر، به این علت که «باید آئین نامه جداگانه‌ای برای انتخابات شوراهای شهر تنظیم شود»، نشانه آشکاری است از فقدان مطالعه کافی، از وجود شتاب برای سرانجام رساندن این امر مهم است. ولی این عجله برای چیست و چه سودی دارد؟

۳) بدون اینکه بخواهیم در اینجا وارد جزئیات متن لایحه انتخابات شوراهای شهر بشویم، باید در اینجا به عدم رعایت یک اصل دمکراتیک در مورد تشکیل انجمن نظارت انتخابات اشاره کنیم. اعتقاد مائینست که در هر انتخاباتی، از جمله در انتخابات شوراهای شهر، انجمن نظارت انتخابات باید از نمایندگان احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی تشکیل شود، زیرا رعایت این اصل بهترین وسیله برای تأمین صحت انتخاب است. ولی این اصل در مورد تشکیل انجمن نظارت انتخابات شوراهای شهر رعایت نشده است.

۴) وزارت کشور انتخابات شوراهای شهر را اعلام کرده، ولی اختیارات و وظایف شوراهای شهر را مشخص نکرده و تعیین آنها بیحد و موقول ساخته است. چگونه مردم میتوانند در انتخابات شرکت کنند که حدود اختیارات و وظایف ارگانهای انتخاب شونده آن هنوز مشخص نیست؟ علاوه بر این، تعیین اختیارات و وظایف شوراهای شهر بعهده وزارت کشور و هیئت وزیران، یعنی قوه مجریه گذاشته شده است و این با محتوای دمکراتیک نظام شورائی مغایرت دارد.

حزب توده ایران با توجه به ایرادات اصولی و اساسی که به تصمیم وزارت کشور در مورد انتخابات شوراهای شهر وارد است، و همچنین فقدان مطالعه کافی و شتابزدگی که در این امر مشهود میشود، از دولت و همه مقامات مسئول مطالبه کرده و اولاً انتخابات شوراهای شهر را در تمام کشور بتأخیر ازند. ثانیاً در رفع این ایرادات اصولی و اساسی بکوشند، و رها با محتوی واقعی دمکراتیک تشکیل شود و حق تعیین رای تعیین سرنوشت خویش تأمین گردد. حزب توده ایران همه نیروهای انقلابی، ملی و دمکراتیک نیز می‌طلبند که در این راه مجدداً بکوشند.

شایان ذکر است که با توجه به ایرادات اصولی و اساسی فوق، نتایج انتخابات شوراهای شهر از هم اکنون روشن است، نتایجی که نمیتوان آنها را کاملاً دمکراتیک و منطبق با خواستههای اکثریت مردم دانست. با اینهمه، اگر وزارت کشور در اجرای تصمیم خود با فشاری کند، حزب توده ایران، با حفظ اقتیاد اصولی و اساسی خود، در انتخابات شوراهای شهر شرکت میکند، زیرا معتقد است که بدینوسیله اولاً میتوان مردم را با نقائص این قانون آشنا ساخت. ثانیاً میتوان مردم را با حقوق و وظایف آنها در این زمینه آشنا کرد. ثالثاً میتوان - در همان حدی که ممکن است - نمایندگان واقعی مردم را به شوراهای فرستاد. رابعاً میتوان در حد همین قانون ناقص هم در شوراهای از حقوق مردم دفاع کرد. حزب توده ایران در عین حال آماده است که با تمام احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای انقلابی، ملی و دمکراتیک در زمینه قانون انتخابات شوراهای شهر، اختیارات و وظایف شوراهای شهر، تنظیم برنامه مشترک و لیست مشترک، بمنظور شرکت در انتخابات شوراهای شهر، به تبادل افکار بپردازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ مهرماه

به استخدام مجدد کارگران شرکت پریشان رسیدگی کنید

بنا بگفته یکی از کارگران، شرکت آنها را بعد از پرداخت قسمتی از حقوق و مزایایشان در اسفند، دیگر کارگر شرکت بحساب نمی‌آورد. این کار که شرکت شروع بکار کرده، این کارگران را محروم کرده اند، ولی آنها را استخدام نکرده اند. بنا به اظهار یکی از کارگران، شرکت عده‌ای از کارگران را، که برای احقاق حقوق خود مبارزه کرده اند، استخدام نمیکند. یکی از کارگران می‌گفت: در گذشته برای یکروز مرخصی در روز از حقوقمان کم میکردند و اگر حرف می‌زدیم به ضد اطلاعات پایگاه نیروی هوایی جلب میشدیم، ولی حالا دیگر نمیتوانند.

□ یکی از کارگران می‌گفت: در گذشته برای یکروز مرخصی در روز از حقوقمان کم میکردند و اگر حرف می‌زدیم به ضد اطلاعات پایگاه نیروی هوایی جلب میشدیم ولی حالا دیگر نمی‌توانند

عده‌ای از کارگران پریشان، که قسمتی از فعالیتهای ساختمانی شرکت چکش را در ریل فسا برای نیروی هوایی انجام میدهند، خواهان رسیدگی بوضع استخدامی خود هستند. این کارگران بعلت تعطیلی کار شرکت از تاریخ ۱۰ اردی ۵۷ بیکار شده اند. شرکت در اواخر مهر ۵۸ شروع بکار کرده است. در اسفند ۵۷ این کارگران موفق شده اند قسمتی از حقوق و مزایا را بابت ۳ ماه تعطیل شرکت دریافت کنند و برای حدود ۴ ماه تعطیلی، یعنی از اسفند تا تیر چیزی دریافت نکردند.



# اربابان در ده لکن کیسان جسور شده اند چون در کمیته دوستان آنها جا خوش کرده اند



قبر از روستای لکن کیسان رسیده است که در بالای شاندرمن قرار گرفته، ولی وضعی که در آنجا هست برای خیلی از دهقانان نمونه وار است. عده ای از دهقانان این روستا با دادن قسط و اجاره و پرداختهای سنگین صاحب نسق خود شده بودند و عده ای هم به شیوه مناسفه کاری کار میکنند. اما از آنجا که در بسیاری از نواحی اربابان بسز زمینهای سابق بازگشته و از جانب دولت هم دفاعی از دهقانان ندیده اند، و برعکس، بنام «قدس مالکیت»، از غارتگری و زورگویی اربابان حمایت شده، حالا هرابابای شیر شده و جسارت پیدا کرده و میخواهد زمینهای سابق را پس بگیرد و دهقانان را بیرون و آواره کند.

در این ده، توکلی، که از نفوذ اهلای محل است، در روز سه شنبه ۵۸/۶/۲۶، با عده ای چماق بدست به کشاورزان، که مشغول جمع آوری محصول خود بودند، حمله میکند. توسل به چماق بدستان در این

ماها کار رایجی شده چون دهقانان را نمیتوان فریفت و جز بزور نمیتوان حق آنها را گرفت. و چون مقامات دولتی و کمیته ها هم عکس العملی به سود دهقانان نمیکند، اربابان جری شده اند و چماق بدستان خود را که سابقا مورد استفاده دولت شاه مخلوع قرار میگرفتند، یا افرادی را که برائریکاری و گرسنگی و آوارگی، اجیر میشوند بهره عملی تن میدهند، بجان دهقانان می اندازند. علیرغم حکم معروف «محصول از آن کسی است که زراعت کرده»، ارباب چاولگر محصول را بزور چماق داران گردآوری میکنند و با تهدید بخانه خود میبرد. کشاورزان چاره را در مراجعه به پاسگاه و کمیته دیدند، زیرا خودشان قدرت مقابله با چماق بدستان را نداشتند.

اما در کمیته هم شکایت آنها رسیدگی نشد، زیرا سران کمیته از دوستان همان نفوذال هستند. آیا باین ترتیب می توان دهقانان لکن کیسان شاندرمن را به نتایج انقلاب و اثر بخشی ارگانهای مهمی چون کمیته های انقلاب امیدوار ساخت؟ دهقانان این ده بخانه های خود ناامید بازگشته اند، ولی مسئله پاکسازی کمیته ها، بویژه جهت دادن آنها بدفاع از منافع زحمتکشان و دفع حملات زورگوییهای مالکان، از مسائل مهم امروز جامعه است.

## مقامات محلی و دولت باید بخواسته های دهقانان «سیامرد» توجه کنند

تا از آنها حرکتی نباشد، کسی بکارشان رسیدگی نخواهد کرد. این بود که دهقانان «سیامرد» به استانداری شکایت بردند. خود استانداردهم بده «سیامرد» آمد، ولی بازم همان حرف قبلی مسئولان را تکرار کرد مبنی بر این که فقط هر کسی که بدکار نباشد، میتواند وام بگیرد و آنها فقط هزار تومان. دهقانان خواستار روش انقلابی بودند و به استاندار گفتند که در رژیم قبلی هم همیشه بدکار بانک بودیم و گرفتار، آیا حالا هم باید در بند باشیم و برای کشت پول نداشته باشیم؟

حرف استاندار این بود که «دستور وزارت کشاورزی است و چاره ای نیست». دهقانان «سیامرد» میگویند: «ما از آزادیو شنیده ایم که بددهقانان گیلان وام کشاورزی داده اند، ولی کو؟ مگر ما در گیلان نیستیم، کجاست وام کشاورزی؟»

در ده «سیامرد» واقع در نزدیکی شاندرمن، اکثریت دهقانان هنوز بیسوادند و با وجود علاقه ای که بخواندن و نوشتن و مطالعه دارند، وسیله ای در اختیار ندارند. اکثر آنها، بر اثر شدت کار و محیط حاکم، از دنیای خارج از کشور و استان خود هم بی اطلاع هستند و بقول یک دهقان: «اغلب ما بیشتر از بازار شاندرمن جانی رانده ایم». در این ده نه آب آشامیدنی هست، نه برق و نه وسیله رفت و آمد. وضع رفاهی و معیشتی دهقانان ایجاب میکند که مقامات محلی و دولتی توجه بیشتری به ده «سیامرد» بکنند. اما بانک تعاونی اسال حتی همان دوهزار تومان وام سابق را هم نداد و مبلغ وام را به هزار تومان تقلیل داد، که البته دردی را از دهقانان دوا نمیکند. تازه همین وام را هم بکسانی میدادند که بدهکاری نداشته باشند و چنین افرادی در ده بسیار نادرند.

دهقانان البته بیکار نمی نشینند زیرا میدانند که

# بمناسبت سالگرد شهادت توریج حیدری بیگوند...

بقیه از صفحه ۱

و انقلابی را بر زمین ریختند. مبارزی که نمره هم کوتاه هشت از او ستاره تابناکی در آسمان جنبش انقلابی ایران ساخته بود.

**توریج حیدری بیگوند**

از آن گروه مبارزان جوانی بود که با انگیزه های والای انسانی، با عشقی سرشار به زحمتکشان و ایمان خدشه ناپذیر به آرمانهای سوسیالیستی، در دورانی که رژیم وابسته و ضد خلقی شاه مخلوع برای حفظ منافع غاصبان خویش، رژیمانه ترین شیوه ها را بر علیه مردم بکار بسته بود سازمان امریمنی ساواک هر گونه ندای آزادیخواهی را به وحشیانه ترین شکل سرکوب میکرد، بمبارزه بی امان و قطعی با آن دست زدند و به سن درختان چانهازی و فداکاری و ایثار بیدریغ جان در راه اهداف انسانی، که در مبارزات مردم ما جایی دیرپا و استوار دارد، جان تازه ای بخشیدند.

این شور فداکاری و آزادگی، که به سرعت در میان بخش بزرگی از جوانان و بویژه دانش آموزان و دانشجویان جامعه ما رسوخ کرد، از یکطرف بیانگر زوال محتوم رژیم بود که می کوشید با حیوانی ترین و رژیمانه ترین وسایل، همه راههای مبارزه را مسدود و خلق ما را سرکوب کند، و از طرف دیگر از انرژی انقلابی عظیمی در بطن جامعه ما خبر میداد که هیچ نیروئی در مقابل فوران آن قادر به مقابله نخواهد بود.

این ایمان و اعتقاد به روزی توده های مردم و آمادگی تحسین انگیز برای فدیة کردن جان در این راه مقدس، در توریج با اندیشه ای پویا و نقاد، استعداد شگرف در مسائل نظری، صداقت و شجاعت در بازیابی و تصحیح مواضع

**توریج در رساله «تئوری تبلیغ مسلحانه»** انحراف از ماركسسم - لنینسم - اثر گرا نقد و بر جسته ای که نقش مهمی در تصحیح برخی نظریات غیر ماركسستی در میان مبارزان جوان بهر راه طبقه کارگر ایفا کرد در راهی را که خود برای دستیابی به جوهر آموزشی ماركسسم لنینسم طی کرده - تشریح نموده است.

در این اثر، توریج با صمیمیت و صداقتی بی پایان، که در میان سطور آن موج میزند، با مخاطب قرارداد همزمان خویش، آنها را به دوری درباره دشواریها و مضمراتی که در راه پیوند با طبقه کارگر با آنها روبرو هستند، فرا میخواند و بسا استفاده از متون معدودی که از کلاسهای ماركسسم - لنینسم در اختیار دارد و با بکار انداختن استعداد شگرف خویش در تحلیل و جمع بندی تجارب زندگی و مبارزه خود، یک بیک ناسازگاریهای «تئوری تبلیغ مسلحانه» را بر می شمارد و کاستیهای

آنها مدلل میسازد. توریج از شیفته گان صمیمی سوسیالیسم واقعا موجود و از دوستان صادق اتحاد شوروی، زادگاه سوسیالیسم و مستحکمترین سنگر زحمتکش جهان بود. او بخوبی به تأثیر خرابکارانه ای که «مارکسولیس» در نظریات او و همزمانش باقی گذاشته بود، آگاه بود و در مبارزه با این نظریه ضد ماركسستی، تا پای جان زندگی کوتاه، ولی پر بار خویش، نقش فعال و کوشائی داشت.

زندگی، مبارزات و اندیشه های توریج حیدری بیگوند، نقش مهمی در تصحیح نظریات بخشی از همزمان او، که سپس به حزب توده ایران پیوستند و در صفوف آن به مبارزه خویش ادامه دادند، ایفا کرد.

یادش گرامی باد و آرمانش پیروزا

## اعتراض کاردار سفارت...

بقیه از صفحه ۱

گوشها برسانند. راستی چه شده است که امپریالیستهای امریکائی، که در تمام طول جنایات شاه مخلوع، که حاصل آن فقط تیرباران نزدیک به ۲ هزار رزمنده مسلمان و کمونیست بود، مهر سکوت بر لب زده بودند، اکنون در برابر عوامل همان جنایات، بی درپی «اعتراض» میکنند و اعدام انقلابی هویدها، القانها، مطبوعه ها و... را عملی مخالف حقوق بشر میدانند؟ باید گفت که امپریالیسم امریکا از این تبلیغات در سطح جهانی استفاده میکند، تا خود را مدافع حقوق بشر، نشان دهد و بسا این وسیله چهره کریه خود را بپوشاند.

علاوه بر این، هدف امپریالیسم امریکا، اینبار، از زبان کاردار سفارت امریکا در تهران، از این تبلیغات در ایران، دلگرم کردن ضد انقلاب است. در واقع امپریالیسم با این طریق به بازماندگان رژیم سابق خود اعلام میکند که، «ما پشتیبان شما هستیم. به مبارزه با انقلاب ایران ادامه دهید».

امپریالیسم چنانست پیشه اقتصادی، نظامی و سیاسی و فرهنگی آن در ایران قطع نشده است، به این توطئه ها ادامه خواهد داد. تنها قطع ریشه های امپریالیسم امریکا در ایران، از طریق لغو قراردادها و اسارت بار، از جمله قرارداد دو جانبه نظامی، قادر است امریکا را به معنای واقعی از مداخله در امور ایران بازدارد. این واقعیت را قبل از همه باید مسئولان امور بدانند و بر اساس آن عمل کنند.

## نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به: شورای انقلاب - دولت موقت جمهوری اسلامی ایران - دادستان کل دادگاههای انقلاب

# درباره شهادت رفقا آذرنوش مهدویان و حسین شیانی

دادستانی کل انقلاب اسلامی ایران انتظار داریم که دستور رسیدگی به چگونگی اعدام رفقای شهید ما آذرنوش مهدویان و حسین شیانی را صادر و مسئولان قتل فجیع این مبارزان انقلابی را برای رسیدگی تسلیم دادگاه کنند.

مردم ایران انتظار آنرا دارند که در سببم دادگاههای انقلاب و شیوه کار آنها تجدید نظر اساسی به عمل آید تا این دادگاهها، که اصولا باید شمشیر برای انقلاب خلق علیه دشمنان آن باشند، در نهایت دقت و امانت و پاکیزگی همین نقش را بازی کنند و نه چون دیگر ماهشدار می دهیم که دشمنان غدار انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، و صهیونیسم و بقایای رژیم پهلوی، چون گرگان زخم خورده در انتظار فرصتند. آنانکه میکوشند تا اوقات و فکرو نیروی دستگاههای دولتی جمهوری اسلامی ایران را متوجه مخاصمه و مقابله و فشار علیه نیرو های جنب راستین سازند، بزبان انقلاب عمل میکنند.

تهاجم و توطئه ای بود که در ماههای اخیر از جانب نیرو های راست گرا و ایادی امپریالیسم و صهیونیسم و عمل رژیم سرنگون شده پهلوی علیه نیروهای چپ اصول و بویژه حزب توده ایران آغاز گردیده است. شاید شخص رئیس دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه و حاکم شرع و اکثریت اعضای این دادگاه از حقیقت امر بی اطلاع باشند و ندانند که آنها به تیریک دشمنان انقلاب، فتوای اعدام چند مبارز انقلابی، پدران بیکناه چندین خانواده انقلابی را صادر کرده و حیثیت سیاسی چندین خانواده انقلابی را لکه دار نموده اند. ولی بهر حال حیرت انگیز و تأسف آور است که حاکم شرع کرمانشاه این جنایت را، بسا اعتراف اعدام شدگان به عضویت در حزب توده ایران توجیه کرده است.

حزب توده ایران بر مبنای برداشت علمی خود از کنه انقلاب ایران، در صف همه نیروهای خلقی، مدافع و پشتیبان انقلاب خلق رنجیده ایران بوده و هست و هیچ تحریک و توطئه ای نمیتواند آنرا از راه اصولی خود منحرف سازد. طبقا از رهبران، زمامداران و مسئولان جمهوری اسلامی ایران نیز انتظار برخورداریم که بر طبق اصول عدالت و منطق و جوابگویی برخوردارند و اصولی حزب توده ایران باشد.

هر قدر سیاست و عمل حزب توده ایران را، خواه قبل از انقلاب و خواه پس از پیروزی آن، مورد کاوش و بررسی قرار میدهیم، فقط باین نتیجه میرسیم که اگر طبق منطق و عدالت رفتار شود، نظام جمهوری اسلامی ایران باید حزب توده ایران را یار و مددکار و یکی از سنگرهای شکست ناپذیر انقلاب مردم رنجیده ایران بداند و با آن مناسباتی در خور این مقام داشته باشد. حزب توده ایران همواره، هم در گفتار و هم در کردار بطور قاطع، اصولی و بیکسر از سمت واقعا انقلابی و واقعا ضد امپریالیستی و واقعا ضد استبدادی انقلاب و رهبری آن پشتیبانی و دفاع کرده است. در مقابل حوادث ناگوار ضد توده ای و ضد دیگر نیروهای اصولی چپ فقط میتوانیم اینرا بگوئیم که، نیروهای شیطانی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، و صهیونیسم و بقایای رژیم پهلوی از طرق مستقیم و غیر مستقیم در دستگاه جمهوری اسلامی رخنه کرده اند و میکوشند بنام «انقلاب» آگاه ترین و صادق ترین نیروهای انقلابی کشور را در هم بکوبند و انقلاب را از یکی از عمده ترین ستونهای خود محروم سازند. باید این توطئه را دید، آنرا افشا کرد و خنثی نمود.

ما نسبت به اعدام فجیع رفقای مبارز و بیکناه خود اعلام جرم میکنیم و از شورای انقلاب، از دولت و

بقیه از صفحه ۱

حتی این دلیل واهی نیز وجود نداشته است. در اعلام جرمی که از جانب مهوش مهدویان (حسدیدی)، همسر رفیق شهید آذرنوش مهدویان انتشار یافته، با ذکر دلائل گفته میشود که، در آن روزها همسر وی هرگز به باوه نرفته و همیشه در کرمانشاه سر خدمت حاضر بوده است. اعدام وی خیلی قبل از ورود قوای نظامی به باوه و قبل از هر گونه تحقیق در محل انجام گرفته و تحقیقات در مورد رفیق شهید (البته اگر تحقیقاتی شده باشد) آنقدر سطحی و بی پایه بوده است که حتی شغل مهدویان را هم بدرستی نمیدانسته اند و جسد وی را بعنوان یک نفر دبیر تحویل سردخانه پزشکی قانونی داده اند!

از همه بدتر و نشانه دیگر ظالمانه بودن اعدام دور رفیق نامبرده ما، عذر بدتر از گناهی است که آقای محمد علی رازی زاده، حاکم شرع کرمانشاه، برای توجیه این اعدامها آورده است. آقای رازی زاده از جمله در مورد آذرنوش مهدویان گفته است که وی «عضویت در حزب توده را داشته و» و حتی... در لحظات قبل از اعدام شمار حزب توده را میداد» (کبهان ۳ - مهر) ما از این «دلیل» اتهام آقای رازی زاده عمقا متأثر و متحیریم. چگونه می توان عضویت در یک حزب قانونی و ملئی و مبارز و انقلابی را دلیل برای اتهام و مجازات، آنهم مجازات اعدام، قرار داد؟

تصدیق باید کرد که وجود یک چنین محیطی در دادگاه انقلاب، سمای این دادگاه را، که باید مدافع راه حق و عدالت باشد و از انقلاب و انقلابیون راستین دفاع کند، تیره میسازد و نمیتواند عواقب غیر قابل پیش بینی بار آورد. ممکن بود این قتلهای فجیع و اسف انگیز را نتیجه اشتباه و یادداشت چکی و یا عجز و مرجع در کار بشماریم. ولی با توجه به چرخش ناگوار که مدتی است در محیط سیاسی کشور پدیدار گشته و ما بوقوع خود در این باره هشدار دادیم، حق داریم قاطعانه بگوئیم که اعدام رفقای مبارز مادر کرمانشاه، یک عمل عمدی و حلقه ای از زنجیره

شبهانی، که با فریاد «ژنده باد حزب توده ایران» در برابر جوخه اعدام سینه سپر کردند و با خواندن سرود حزبی به آغوش شهادت رفتند، افتخار می کنیم. تاریخ نیز نام پر افتخار آنرا هرگز فراموش نخواهد کرد. آهسته گشتن پرچم پر افتخار انقلاب ایران به خون ناحق چنین رادمردانی، سزاوار ولایت نام و مقام گرامی این انقلاب نیست.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۰ مهرماه ۱۳۵۸

شماره اول ۱۳۵۸

# دنیای

نشریه سیاسی و تئوریک  
کمیته مرکزی  
حزب توده ایران  
منتشر شد

«مردم»  
ارگان مرکزی  
حزب توده ایران  
نشانی: خیابان ۱۶ آذر،  
شماره ۶۸  
تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹  
چاپ: کاویان

# ملاک انقلابی بودن و ضد انقلابی بودن چیست؟

انتساب افراد و گروه‌ها به «انقلابی» یا «ضد انقلابی»، بودن، علیرغم عواقب بزرگی که چنین انتساباتی در بر دارند، متأسفانه آسان و بدون مسئولیت انجام میگیرد. باید دید ملاک چنین انتسابی چیست؟ آیا هر کسی یا هر مرجعی حق دارد هر مطلبی را که موافق فکر و نیت خود بیاید یا نیاید، انقلابی یا ضد انقلابی بنامد؟ انقلابی بودن یا ضد انقلابی بودن در زمان ما، در جامعه ما، دارای ملاک‌هایی روشن است که قضاوت بر پایه آن، منطقی و عادلانه است و بدون توجه به آن، قضاوت به خطا می‌رود.

در ایران، انقلابی علیه رژیم گذشته صورت گرفته، که منجر به سقوط آن شده است. چه مردم با رژیم گذشته مخالف بودند؟ آیا برای آنکه این رژیم دارای سمت گیری چپ و تمایلات کمونیستی بود؟ آیا برای آنکه آن رژیم به کشورهای سوسیالیستی «وابستگی» داشت؟ یا بکلی برعکس، بدلیل آنکه رژیم دارای تمایلات استبدادی و فاشیستی بود و از دستورهای امپریالیسم و پراگماتیک آن امپریالیستهای امریکا و انگلیس اطاعت میکرد و با صهیونیسم همکاری صمیمانه داشت؟ تصور می‌رود پاسخ باین سؤالات بر همه کسانی که در کشور ما زندگی میکنند، مانند آفتاب روشن است.

پس چه شده، که گاه در نزد برخی افراد سازمانهای که با سلطنت استبدادی و امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه کرده و میکنند، به نیروهای «ضد انقلابی» و «خرابکار» و «توطئه گر» بدل میشوند؟ روشن است که ما از افراد و گروههای چپ و وچپ‌نما، که تحت شعار دفاع از کارگران یا دفاع از حقوق خلقهای ایران، دانسته یا نادانسته، آلت دست سیاسی قرار می‌گیرند و آگاهانه یا غیر آگاهانه آب در آسباب امپریالیسم و ارتجاع می‌ریزند، سخن نمی‌گویند، منظور ما کسانی هستند که ایدئولوژی تحول انقلابی و بنیادی جامعه را پذیرفته اند، در روند انقلاب ایران سالها ندرز اشتراک داشته اند و فداکاریها کرده اند، به جمهوری اسلامی رأی حمایت بعمل آورده اند، در هیچگونه توطئه‌ای علیه انقلاب ایران کوچکترین دخالتی نداشته اند، بلکه برعکس، آن توطئه‌ها را طی انواع زنهاش افشاء کرده اند و انتقادات آنها همیشه دلسوزانه، سازنده، مستند و تهی از اغراض شخصی بوده است، یعنی وجود وفالیت آزادانه آنها برای تحکیم انقلاب از هر باره ضرور است.

بسروری چه اساس، این افراد سازمانها به دسیسه و توطئه و ضد انقلابی بودن متهم میشوند. مورد ضرب و جرح قرار میگیرند، شخصی بسوده است، یعنی وجود وفالیت آزادانه آنها برای تحکیم انقلاب از هر باره ضرور است. بسروری چه اساس، این افراد سازمانها به دسیسه و توطئه و ضد انقلابی بودن متهم میشوند. مورد ضرب و جرح قرار میگیرند، شخصی بسوده است، یعنی وجود وفالیت آزادانه آنها برای تحکیم انقلاب از هر باره ضرور است. بسروری چه اساس، این افراد سازمانها به دسیسه و توطئه و ضد انقلابی بودن متهم میشوند. مورد ضرب و جرح قرار میگیرند، شخصی بسوده است، یعنی وجود وفالیت آزادانه آنها برای تحکیم انقلاب از هر باره ضرور است.

# اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران: رفیق علی امیر خیزی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و یکی از پیش کسوتان جنبش کارگری ایران درگذشت

با اندوه و تأسف فراوان اطلاع یافتیم که رفیق علی امیر خیزی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، منتخب از دومین کنگره حزب، در سن ۸۶ سالگی، پس از سال مهاجرت، در شهر مسکو، زندگی را بدرود گفت.

رفیق علی امیر خیزی که نیر و نشاط حمایتی خود را تا آخرین روزهای زندگی حفظ کرده بود، بویژه پس از پیروزی انقلاب بزرگ مردم ما بر سلسله شوم پهلوی، امید فراوان داشت که بدیدار مهربان خود با دیگر توفیق یابد. افسوس که مرگ او را دریافت و این آرزوی عادلانه و بحق او بر آورده نشد.

رفیق علی امیر خیزی در سال ۱۲۷۶ شمسی، در شهر تبریز، در محله امیرخیز، متولد شد، جریان انقلاب مشروطیت ایران، که در آن برادر ارشدش شرکت فعال داشت، در دوران نوجوانی او (بین ۱۳ تا ۱۸ سالگی) گذشت و وی در کنار برادر، گرمای شعله‌های این انقلاب را از نزدیک احساس کرد و از آن خاطرات فراوان داشت.

امیر خیزی در جنبش ملی شادروان شیخ محمد خیابانی و سپس جنبش گیلان شرکت داشت و از همین تاریخ زندگی سیاسی و انقلابی آگاهانه‌اش آغاز میشود. وی با گردان انقلاب مائستارخان و حیدر عموافلی از نزدیک آشنا بود. پس از تأسیس حزب کمونیست ایران، رفیق امیر خیزی بدان پیوست و طی قریب شصت سال از عمر خویش را در صفوف حزب طبقه کارگر ایران گذراند.

در دوران رضاشاه، رفیق امیر خیزی به سبب فعالیت‌های سیاسی خود زندانی و تبعید شد. وی پس از سقوط رژیم استبدادی رضاشاه و بازگشت از تبعید، در صفوف حزب توده

ایران شرکت جست و در تهران، آذربایجان و مازندران، با شور و هیجانی که خاص او بود، فعالیت داشت.

پس از اعلام غیرقانونی شدن حزب، رفیق امیر خیزی به مهاجرت رفت. در مهاجرت نیز، بتوان عضو کمیته مرکزی، در فعالیتهای سیاسی مستمر شرکت داشت و با علاقه فراوان حوادث جنبش انقلابی را در ایران و جهان دنبال میکرد.

رفیق علی امیر خیزی وطن خود ایران را با هیجان دوست داشت، به ادبیات غنی کشور ما آشنا بود، خودش میسرود و برخی از اشعارش نیز در مطبوعات حزبی نشر یافته است. وی مبارزی شجاع و صریح و انسانی شوخ طبع، نیک نفس، خوش بین و با نشاط بود و جنبش و تلاش، علیرغم کبر سن و بیماری، هرگز او را ترک نکرد.

دوستان و هم‌زمان امیر خیزی، با درگذشت او، یک دوست و رفیق باتجربه و مهربان را از دست دادند و حزب یکی از پیش کسوتان اندک جنبش کارگری ایران را، که امثالشان اینک کم شمارند.

ما از صمیم قلب به بانو امیر خیزی، که پس از تحمل یک دوری سی ساله و علیرغم تساعشدن شرایط، متأسفانه به دیدار یار زندگی خود موفق نشد و نیز فرزندان و خویشان آن شادروان و همه رفقای حزبی و همه دوستان وی تسلیت می‌گوییم.

نام علی امیر خیزی در دفتر جاویدان خدمتگزاران خلق و جنبش زحمتکشان ایران ثبت خواهد بود. زنده و روشن یادید او!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
مهرماه ۱۳۵۸



## ملاقات وزیران امور خارجه اتحاد شوروی و ایران

آندره گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، با دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در نیویورک ملاقات و گفتگو کرد. در این دیدار مسائل مربوط به مناسبات دوجانبه شوروی و ایران مورد بحث قرار گرفت. وزیران امور خارجه دو کشور همچنین برخی مسائل بین المللی و مسائل مربوط به کار اجلاس کنونی مجمع عمومی سازمان ملل متحد را بررسی کردند.

### روابط شوروی و چین

در مسکو ملاقات مقدماتی هیئت‌های نمایندگی دولت اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین برگزار شد. طرفین درباره انجام مذاکرات توافق حاصل کردند. موافقت شد که این مذاکرات به نوبت در مسکو و پکن انجام گیرد.

### کارزار تبلیغاتی ضد کوبانی در آمریکا

خبرگزاری تاس در مورد کارزار تبلیغاتی ضد کوبانی در آمریکا تفسیری منتشر ساخت که در آن گفته میشود، باینکه پرسنل نظامی شوروی در کوبا نه از لحاظ تعداد و نه از لحاظ وظایفی که دارند برای آمریکا و یا کشور دیگری نمیتواند هیچ گونه خطری داشته باشند، اما محافل تبلیغاتی امریکائی این کارزار را دامین میزنند.

در تفسیر خبرگزاری تاس ذکر شده است که این تبلیغات فقط میتوانند تا حدی مسائل بین المللی و گسترش موفقیت آمیز مناسبات دو کشور گردد. مفسر تاس می نویسد:

هفته سال پیش هم محافل تبلیغاتی امریکائی، به بهانه حضور پرسنل نظامی شوروی در کوبا یک چنین کارزار تبلیغاتی ضد شوروی و ضد کوبا برآوردند. رئیس جمهور آمریکا، جیمی کارتر، با اینکه در سخنان چندی پیش خود اذعان کرده بود که پرسنل نظامی شوروی، که در کوبا هستند، هیچگونه خطری برای آمریکا ندارند، مع الوصف اکنون ماشین عظیم تبلیغاتی امریکا علیه کوبا و پرسنل نظامی شوروی در آن کشور بکار افتاده است.

### دارو دسته پل پوت نماینده کامپوچیا نیست

روزنامه «نیان دان» چاپ هانوی نوشته است که واگذاری مجدد مقام کامپوچیا در سازمان ملل متحد به نمایندگی دارو دسته رژیم سرنگون شده پل پوت، با حضور این سازمان و منطق منایرت دارد. این تصمیم مجمع عمومی، که در نتیجه توطئه‌های امریکا و چین اتخاذ گردیده است، میتواند برای حیثیت این سازمان و همچنین صلح و ثبات در منطقه آسیای جنوب شرقی عواقب نامطلوبی در پی داشته باشد. بسیاری از نمایندگان در جریان بحث‌های عمومی بر امون مسئله نمایندگی کامپوچیا لزوم اخراج نماینده دارو دسته پل پوت را متذکر شدند.

## وضع مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی

کارگرانی که بیمه هستند، هنگام بازنشستکی معمولاً از سازمان تأمین اجتماعی، حقوق بازنشستکی (مستمری) خود را دریافت میکنند. و این مستمری، پس از فوت آنها، به همسر (تازمانی که ازدواج نکرده است) و دو تن از فرزندان (تازمانی که اشتغال به تحصیل دارند) پرداخت میشود.

به علت حق کتبی‌ها و ضعف سهیم سازمان تأمین اجتماعی، ۹۵٪ این مستمری بگیران، پس از سالها (حتی ۲۰ یا ۳۰ سال کار، همراه با پرداخت حق بیمه) و به علت حق کتبی از طرف کارفرمایان، سازمان تأمین اجتماعی از کارفرمایان، از قبیل نفرستادن بازرسی به کارگاهها و تعیین حداقل دستمزد به عنوان تفرقه، در نتیجه پرداخت کمتر حق بیمه از طرف کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی، کارگران بر اساس حداقل دستمزد مستمری بازنشستکی خود دریافت میکنند. قابل توجه است که ۹۵٪ مستمری بگیران راهم همسر و فرزندان کارگران تشکیل میدهند و فقط ۵٪ آنها به سن بازنشستکی میرسند و شخصاً مستمری بازنشستکی دریافت میکنند، ولی آنها هم به زودی فوت میشوند.

تا مرداد ماه ۱۳۵۸، مبلغ این حداقل دستمزد ۶۳۰۰ ریال بود، که همیشه مورد اعتراض مستمری بگیران بود. البته این رقم ۶۳۰۰ ریال هم، پس از افزایش یک ضرب بود و چند ماه قبل از آن، مثلاً در سال گذشته، کمتر از این میزان بود.

از مرداد ماه ۱۳۵۸، با افزایش حداقل دستمزد به ۱۷۰۰۰ ریال و پرداخت آن از فروردین ماه ۱۳۵۸، موجی از شادمانی در میان

مستمری بگیران بوجود آمده است، زیرا مبلغ دریافتی اینک حدود ۲/۵ برابر دریافتی آنها در تیرماه یا اسفندماه است. اما از آنجا که طبق سنت‌های خاص ایرانی، این همسران (عمده مستمری بگیران را زنهای بیوه تشکیل میدهند) پس از فوت همسر ازدواج نمیکند، و معمولاً هر یک از ۲ تا ۶ و گاه ۸ فرزند هم دارند، با توجه به تورم موجود و اصولاً بالا بودن هزینه زندگی، اگر چه این مبلغ ۲/۵ برابر مبلغ قبلی، اما همچنان پاسخگوی کامل نیازهای خانوادگی این مستمری بگیران نیست. هنوز هم بخش عمده این مبلغ را به کرایه خانه میدهند، و هنوز هم بخشی از مخارج خود را کسر می‌آورند و بناچار تعدادی از این همسران مستمری بگیر، برای تأمین کسری مخارج خود، کار میکنند.

## «مردم» روزانه شد

هموطنان! رفقای حزبی! هم‌سوادان و دوستان حزب!

با آغاز سی و نهمین سال تاسیس حزب توده ایران، روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب، بغیر از روزهای تعطیل، روزانه منتشر میشود. انتظار داریم که با کمک معنوی و مادی به «مردم» و بویژه بخش هر چه وسیعتر آن، به انجام وظایف خطیری که «مردم» در پیشبرد مشی حزب و در دفاع از انقلاب بزرگ مردم ایران برعهده دارد، یاری رسانید.

## «مردم»

مستمری بگیران بوجود آمده است، زیرا مبلغ دریافتی اینک حدود ۲/۵ برابر دریافتی آنها در تیرماه یا اسفندماه است.

اما از آنجا که طبق سنت‌های خاص ایرانی، این همسران (عمده مستمری بگیران را زنهای بیوه تشکیل میدهند) پس از فوت همسر ازدواج نمیکند، و معمولاً هر یک از ۲ تا ۶ و گاه ۸ فرزند هم دارند، با توجه به تورم موجود و اصولاً بالا بودن هزینه زندگی، اگر چه این

مبلغ ۲/۵ برابر مبلغ قبلی، اما همچنان پاسخگوی کامل نیازهای خانوادگی این مستمری بگیران نیست. هنوز هم بخش عمده این مبلغ را به کرایه خانه میدهند، و هنوز هم بخشی از مخارج خود را کسر می‌آورند و بناچار تعدادی از این همسران مستمری بگیر، برای تأمین کسری مخارج خود، کار میکنند.